



آسیب شناسی اقتصاد ایران پس از برجام و بررسی میزان تحقق وعده هایی که در برجام به آن اشاره شده است

کمیسیون بازار پول و سرمایه

دیرخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: آسیب شناسی اقتصادی ایران پس از برجام و بررسی میزان تحقق وعده هایی که در برجام به آن اشاره شده است
کمیسیون: بازار پول و سرمایه
تهیه کننده: احسان محمدیان نیک پی^۱، لعیان دهمرده^۲
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۴۹۵۲۶
تیر ۹۵

Mohammadian921@atu.ac.ir

^۱ دانشجوی سال سوم دکترای اقتصاد مالی دانشگاه علامه طباطبایی و فعال بازار سهام

^۲ کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی از دانشگاه الزهرا و فعال بازار سهام

فهرست

خلاصه‌ی مدیریتی.

بخش اول

- ۱-۱- نگاه کلی به اقتصاد جهان و ایران
۲-۱- اقتصاد ایران

بخش دوم

- ۱-۲- مشکلات زیربنایی اقتصاد ایران
۱-۱-۲- سهم بالای درآمدهای نفتی از درآمد ملی، صادرات و تأمین مالی واردات
۲-۱-۲- کیفیت پایین رشد اقتصادی
۳-۱-۲- اتکای اقتصاد ایران به تأمین مالی از طریق سیستم بانکی ناکارآمد
۲-۲- جمع‌بندی بخش دوم

بخش سوم

- ۱-۳- تحریمها و اقتصاد ایران
۲-۳- هزینه‌های تحریم
۳-۳- بیان کلی تحریمهای وضع شده بر ایران به صورت تفکیکی:
۱-۳-۳- تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل:
۲-۳-۳- تحریم‌های اتحادیه اروپا
۳-۳-۳- تحریم‌های یک جانبه دولتها
۴-۳-۳- تحریم‌های کنگره امریکا
۴-۳- کانالهای اثرگذاری تحریم بر اقتصاد ایران
۵-۳- تحریم بخش بانکی:
۱-۵-۳- تأثیرات تحریم بانکها بر روی سیستم مالی و پولی کشور:
۲-۵-۳- تأثیرات تحریم بانک‌ها بر سودآوری شرکتهای طرف معامله با سیستم بانکی
۶-۳- جمع‌بندی بخش سوم

بخش چهارم

- ۱-۴- برجام و اقتصاد ایران:
۱-۱-۴- حوزه‌های رفع تحریمها در برجام:
۲-۱-۴- تضمین‌های رفع تحریمها در برجام:
۲-۴- پسابرجام و بازار مسکن:
۳-۴- پسابرجام و بازار ارز:

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۴-۴- پسابرجام و بازار پول:

۴-۵- پسابرجام و بازار سرمایه:

۴-۶- جمع بندی و ارائه راهکار

منابع و مآخذ

خلاصه‌ی مدیریتی

اجرائی شدن برجام پس از ۲۱ ماه کار کارشناسی و رایزنی مستمر در دی ماه ۱۳۹۴ را می‌توان اتفاقی مهم در اقتصاد کشور قلمداد نمود. رهایی یافتن از برخی تحریم‌های اعمالی بر صنعت نفت کشور، سیستم بانکی، بانک مرکزی کشور، آزاد شدن بخشی از پولهای بلوکه شده، رهایی از تحریم‌های مرتبط با بیمه، کشتیرانی و ... از گشایشهایی است که پس از اجرائی شدن برجام در اقتصاد کشور حاصل شده است. در این بین بررسیهای متعدد نشانگر این امر است که کشور به دلیل متحمل شدن تحریم‌های سنگین در دوره ای نسبتاً طولانی به منظور بازگشت به جایگاه قبلی خود در سیستم اقتصاد جهانی علی‌الخصوص در زمینه سیستم بانکی، دست یافتن به مشتریهای قدیمی کالاهای صادراتی و ... راهی طولانی و پیچیده را پیش رو دارد. در نتیجه فرصتها و تهدیدهای مترتب بر کشور در حوزه اقتصاد علی‌رغم شناسایی تأثیرات کوتاه مدت بلافاصله پس از اجرائی شدن برجام نیازمند زمان خواهد بود. در این بین شاید بتوان مهمترین فرصت مهیا شده برای اقتصاد کشور پس از برجام را شناسایی صحیح مشکلات ساختاری اقتصاد کشور و استفاده از منابع آزاد شده در زمینه سرمایه‌گذاری زیرساختی و پایدار در کشور دانست. وابستگی شدید بودجه دولت به نفت، رشد اقتصادی ناپایدار و بی‌کیفیت، نظام مالیات‌گیری ضعیف و در نهایت لزوم وجود نقدینگی به منظور توسعه صنعت نفت و گاز و پتروشیمی را می‌توان مهمترین مسایل زیرساختی در اقتصاد کشور دانست که لزوم توجه بیش از پیش را می‌طلبد. در غیر اینصورت برجام نیز همانند رشد درآمدهای شدید نفتی در دهه ۸۰ علی‌رغم ایجاد بستری بلقوه در زمینه رشد بر اقتصاد کشور به تهدیدی بلفعل تبدیل خواهد شد.

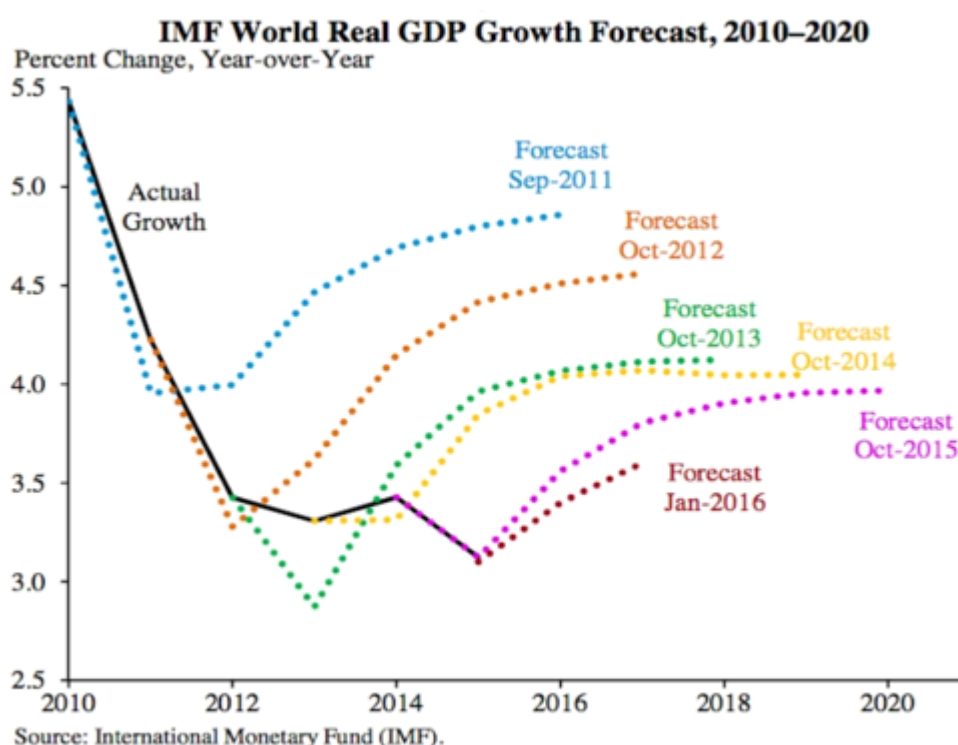
در این گزارش به مروری کوتاه بر اقتصاد ایران پس از برجام و نتایج حاصل از آن پرداخته شده است. بر این اساس، در بخش اول به نگاه کلی بر اقتصاد جهان و ایران اختصاص یافته است. در بخش دوم به مشکلات زیربنایی اقتصاد ایران پرداخته شده است. در بخش سوم، با توجه به بررسی اثرات برجام بر اقتصاد ایران تحریم‌های چهارگانه وضع شده بر اقتصاد ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در نهایت و در بخش چهارم اثرات اجرائی برجام بر اقتصاد ایران به همراه صورت تحریم‌های رفع شده و همچنین اثرات ناشی از رفع تحریم‌ها به تفکیک بر چهار بازار پول، سرمایه، مسکن و ارز بیان شده است.

بخش اول

۱-۱- نگاه کلی به اقتصاد جهان

بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول در آوریل سال ۲۰۱۶، روند بهبود اقتصاد جهان در مقابل خطرات روزافزون ناشی از کساد چینی و اکثر کشورهای توسعه یافته، بسیار کند و شکننده است. در این گزارش رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و دارای بازارهای نوظهور و کشورهای صادرکننده نفت ضعیفتر پیش بینی شده است هر چند که در مقایسه با سال گذشته میلادی چشم انداز اقتصادهای پیشرفته در حال بهبود است. عوامل فوق الذکر و همچنین نااطمینانی موجود در اقتصادی جهانی باعث تعدیل منفی پیش بینی رشد اقتصاد جهانی از ۳/۸ به ۳/۴ در سال ۲۰۱۶ توسط صندوق بین المللی پول گردیده است.

نمودار ۱- پیش بینی رشد اقتصاد جهانی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ (صندوق بین المللی پول)

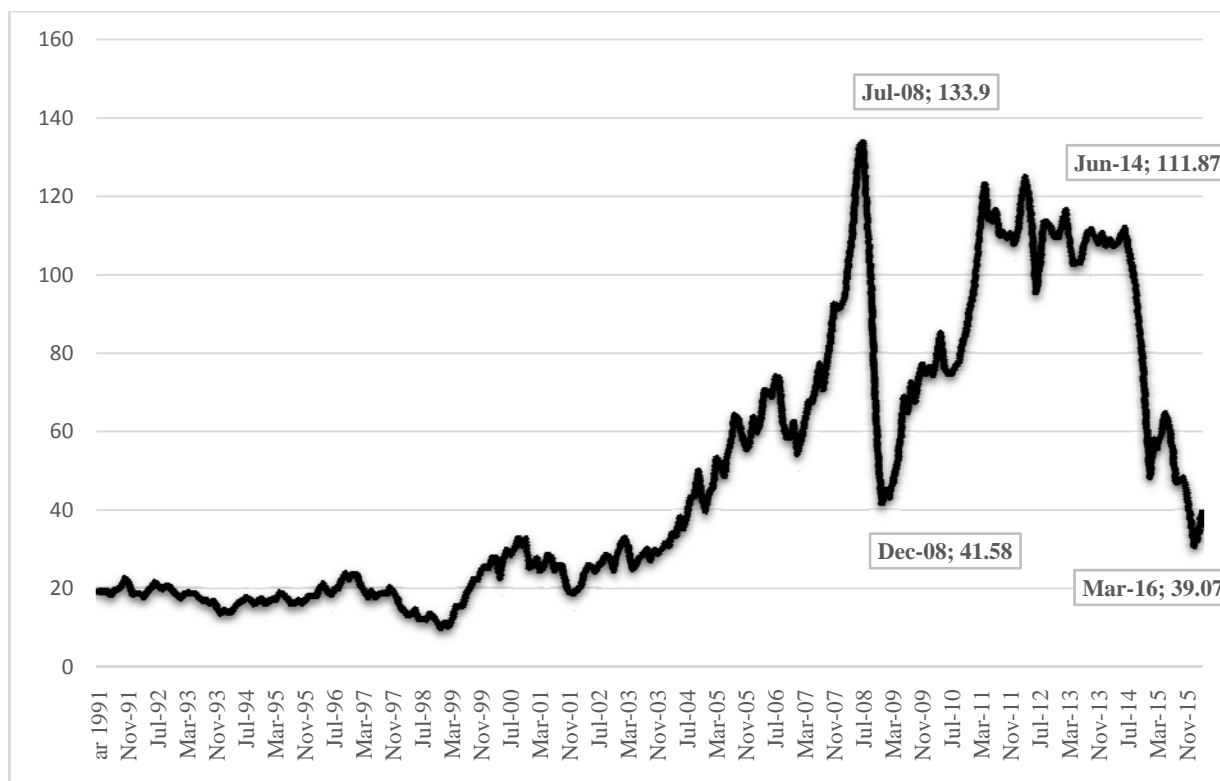


منبع: بیزینس اینسایدر

در کشورهای توسعه یافته رشد اقتصادی همچنان متأثر از عواملی چون کاهش قیمت نفت، ادامه سیاستهای پولی، ضعف سرمایه گذاری، ضعف عوامل رشد بهره وری، کاهش ادامه دار تورم انتظاری و تغییرات نرخ ارز است. این در حالی است آهنگ رشد در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور متأثر از عواملی چون کاهش قیمت کالاها (فلزات، انرژی و غیره)، شرایط مالی، معضلات ساختاری، تجدید توازن در اقتصاد چین و درماندگی اقتصادی ناشی از عوامل ژئوپلیتیک، نسبت به سالهای گذشته کندتر شده است.

کاهش شدید قیمت جهانی نفت علی الخصوص طی دو سال اخیر ناشی از عواملی چون، کاهش معنادار رشد اقتصادی چین به کمترین رقم طی ۲۵ سال اخیر، کاهش قیمت جهانی کالاهای اساسی، ضعف اقتصاد حوزه یورو، مازاد عرضه، تنشهای بین المللی، رخداد جنگ، عدم توسعه متوازن اقتصادهای نوظهور و ... از جمله عوامل موثر بر کاهش سرعت رشد اقتصاد جهانی است. در این میان، ارائه آمارهای نه چندان دلچسب از وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی امریکا و تاخیر به همراه تردید در افزایش نرخ بهره فدرال رزرو امریکا نشانگر مسیر دشوار اقتصاد جهانی در مسیر بهبود و افزایش موزون رشد اقتصادی است.

نمودار ۲- روند قیمت نفت در ۲۵ سال اخیر



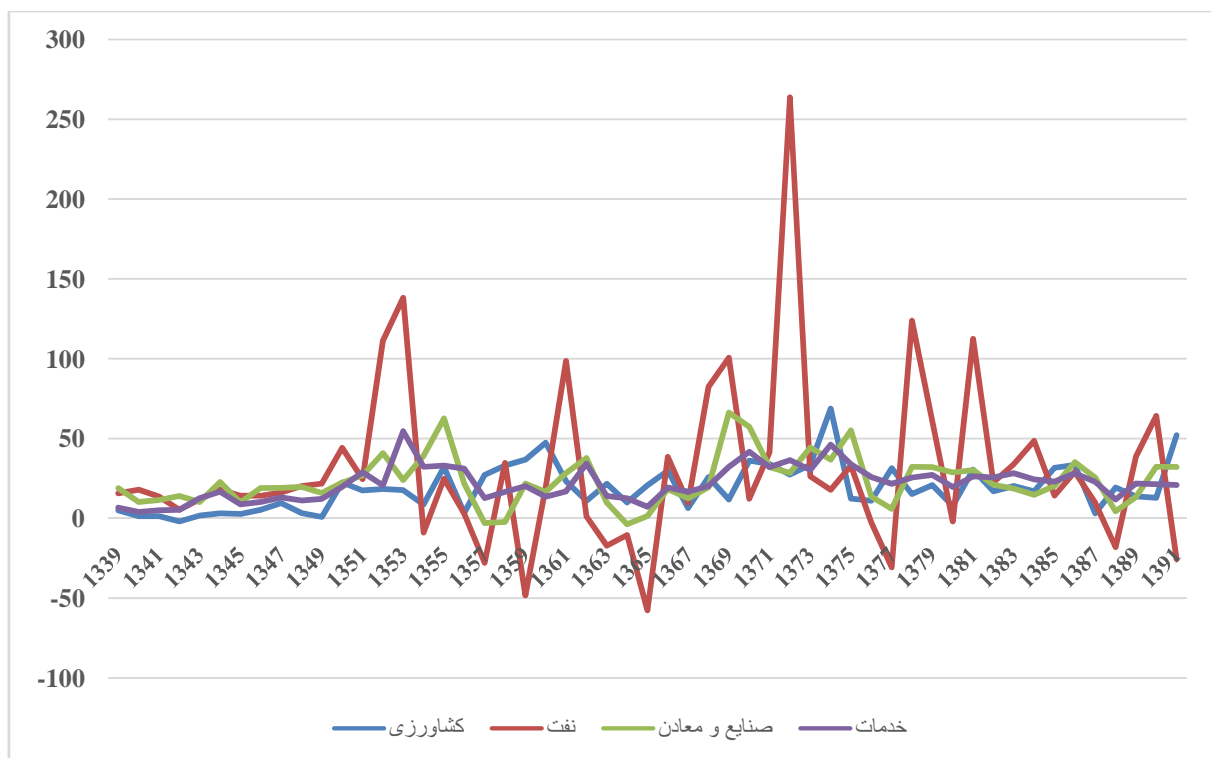
منبع: سایت ایندکس موندی

در این میان بیشترین تاثیر ناشی از کاهش شدید قیمت جهانی نفت را میتوان متوجه کشورهای منطقه خاورمیان دانست. این کشورها با توجه به سهم ۵۴ و ۳۳ درصدی از کل ذخایر و تولید نفت دنیا به میزان زیادی تحت تاثیر کاهش بیش از ۶۰ درصدی قیمت جهانی نفت طی دو سال اخیر (از اوج قیمتی ۱۱۱ دلار در ژوئن ۲۰۱۴ به حدود ۴۰ دلار در مارس ۲۰۱۶) قرار گرفته اند. در نتیجه کشورهای فوق الذکر عمدتاً ناشی از عوامل عرضه و تقاضا، تغییر اهداف اوپک در بازیابی سهم از تولید جهانی نفت و تقویت ارزش دلار با کسری بودجه های بعضاً قابل توجه مواجه هستند که مسیر رشد و بازیابی آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

۲-۱- اقتصاد ایران

در فضای بهبود نسبی شاخصهای اقتصاد کلان، سال ۹۳ و ۹۴ به عنوان سالهایی سخت برای اقتصاد ایران قلمداد می‌شوند. در این سالها شاهد آثار مثبتی چون، کاهش نرخ تورم، مثبت شدن رشد اقتصادی پس از دو سال، نزول بیکاری و قرار گرفتن در آستانه تورم تک رقمی بودیم. اما در نقطه مقابل شاهد آثار منفی چون کاهش اصلی ترین منبع درآمدی دولت یعنی نفت و نیز تداوم رکود حاکم بر اقتصاد کشور نیز بوده ایم. بر اساس آمار منتشره در نیمه ابتدایی سال ۱۳۹۴، کشور با رشد نقدینگی ۱۱/۲ درصدی در فصل دوم این سال مواجه بوده است و در انتهای تابستان میزان نقدینگی به رقم ۸۷۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. تغییرات شاخصهای عمده اقتصادی شش ماهه اول سال ۹۴ حاکی از آن است که بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی در این مدت به رقمی بیش از ۱۶۱ هزار میلیارد تومان رسیده است. همچنین در این مدت تغییرات شاخصهای عمده اقتصادی کشور در بخش صنعت و ساختمان منفی بوده است که این امر بیانگر رکود ادامه دار در این بخش مهم از اقتصاد کشور می‌باشد.

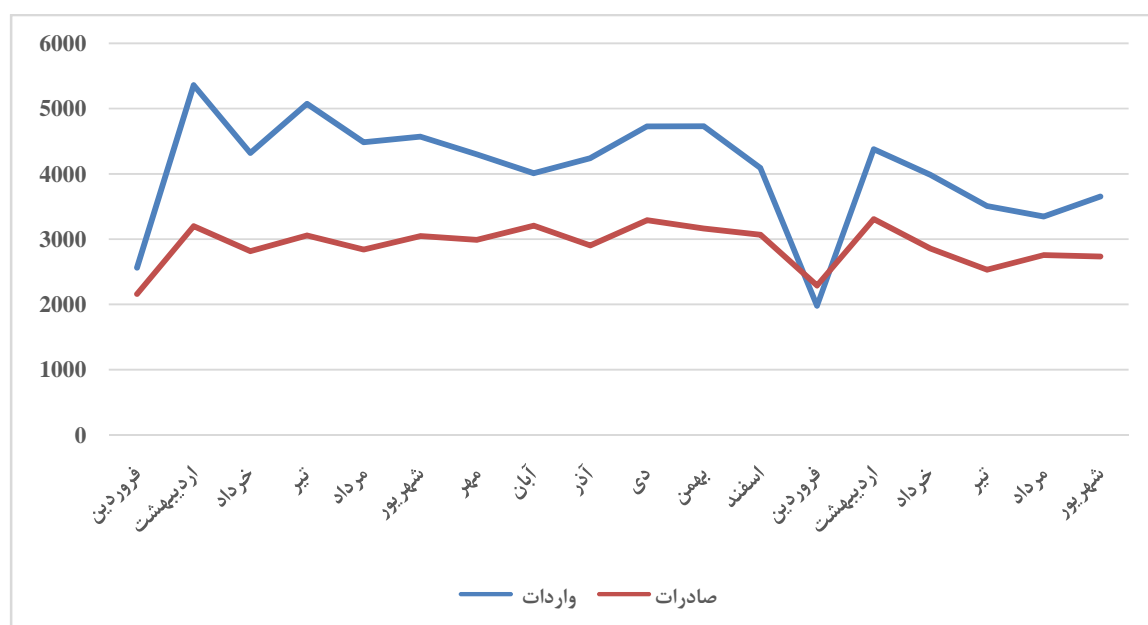
نمودار ۳- رشد در آمد و تولید ناخالص ملی بر حسب فعالیتهای اقتصادی - درصد



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در خصوص وضعیت تجاری کشور از حیث صادرات و واردات محصولات و کالاها به جز نفت، آمار ماهانه صادرات و واردات گمرک کشور، در سال ۱۳۹۳ و نیمه اول سال ۱۳۹۴ بیانگر تراز منفی تجاری کشور در این مدت می باشد (علی‌رغم فروردین سال ۱۳۹۴ که در این ماه مثبت می باشد).

نمودار ۴- آمار ماهانه صادرات و واردات از ابتدای سال ۹۳ تا انتهای تابستان ۹۴ (میلیون دلار)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در آخر می‌توان بیان نمود که روند شاخص‌های عمده اقتصادی کشور طی سالیان اخیر گواه این مدعاست که اقتصاد کشور با روی کار آمدن دولت یازدهم و به واسطه اتخاذ سیاست‌های تثبیت مالی و انقباض پولی و انجام اصلاحات هر چند دستوری، در بخش عرضه، در مسیر بازیابی توان از دست رفته خود قرار گرفته است، هر چند که این مسیر بسی دشوار و زمانبر خواهد بود.

بخش دوم

۱-۲- مشکلات زیربنایی اقتصاد ایران

اقتصاد ایران در چند دهه اخیر به جهت برخورداری از منابع فراوان نفتی، همواره در معرض آسیب‌های جدی عمدتاً ناشی از اقتصاد تک محصولی بوده است. این امر همچنین بروز غفلت‌های عدیده و مساله ساز را در توجه به زیرساخت‌های صنایع اساسی کشور باعث شده است. عدم توجه به مسایل زیرساختی کشور، سومدیریت‌های متعدد و همچنین تکیه بیش از حد به منابع نفتی از جمله عواملی است که مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را در افق ۱۴۰۴ نیز با چالش‌های اساسی روبرو نموده است.

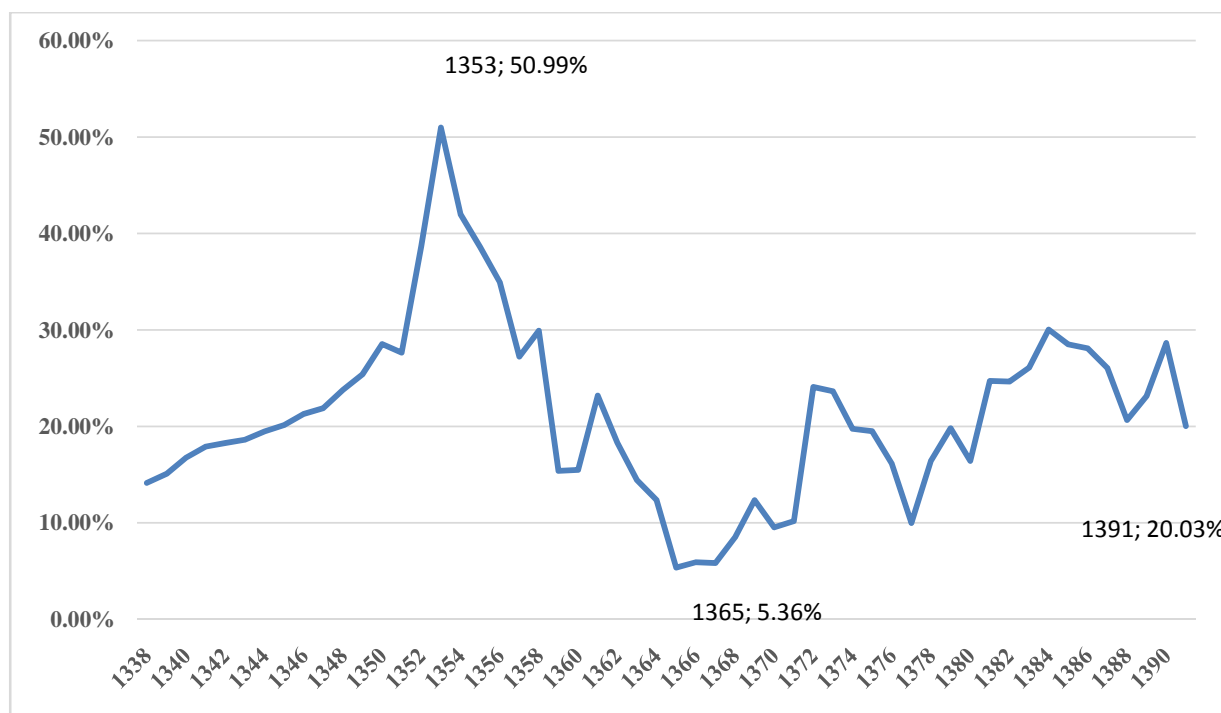
در سالیان اخیر و علی‌الخصوص در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ اقتصاد ایران، همزمان با تشدید تحریم‌های بین‌المللی وارد رکود تورمی بی‌سابقه‌ای شد به گونه‌ای که کشور تورم‌های بالا توامان با رکود شدید در صنایع مختلف را تجربه نمود. عموماً تحریم‌های اعمال شده توسط غرب را مهمترین علت این مهم می‌دانند. چنین رویکردی علی‌رغم صحت آن، با کاستی‌هایی از جنبه تحلیلی همراه است، زیرا نباید نقش مشکلات ساختاری و سیاست‌گذاری‌های نادرست در سال‌های قبل را نادیده گرفت.

بر این اساس، در بخش حاضر درصدد هستیم که به بیان مشکلات ساختاری حاکم بر اقتصاد ایران بپردازیم. این امر از دو جنبه مهم و اساسی قلمداد می‌شود. در جنبه اول زمینه‌های مهم آسیب‌پذیری ایران از فشارها و تحریم‌های بین‌المللی مشخص می‌گردد و در جنبه دوم امکان بررسی میزان ارتباط آنها با تحریم‌ها فراهم می‌شود.

۱-۱-۲- سهم بالای درآمدهای نفتی از درآمد ملی، صادرات و تأمین مالی واردات

در نمودار ۱ سهم نفت از درآمد ملی کشور طی دوره زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۱ رسم شده است. بر این اساس، سهم بالای نفت از درآمد ملی کشور طی دوره ۵۴ ساله فوق‌الذکر مشخص است و بطور میانگین ۲۱/۳۷ درصد درآمد ملی کشور را در برمی‌گیرد. این امر بیانگر نقش مهم و تاثیرگذاری نفت و درآمدهای حاصل از آن در اقتصاد کشور است هر چند که در دوره‌هایی با فراز نشیب‌های متعدد همراه بوده است.

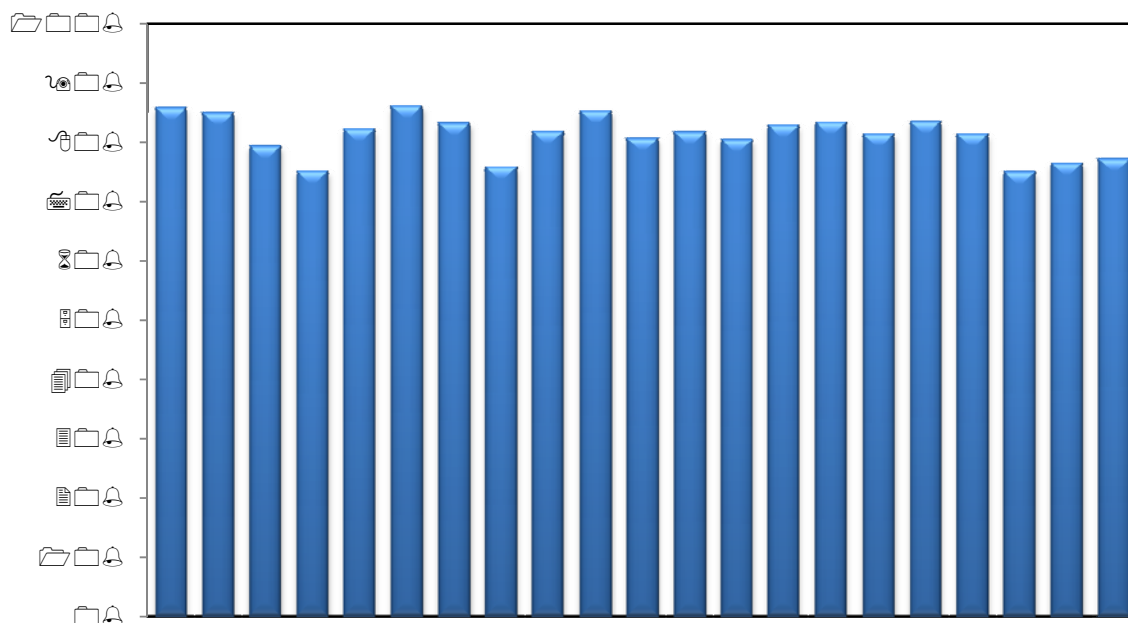
نمودار ۵- سهم نفت از درآمد ملی



نمودار ۶ صادرات نفت و گاز از کل صادرات کشور را از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌کنید سهم صادرات نفتی از صادرات کالاها و خدمات در طی این سال‌ها نرخی بالا داشته و بین ۷۵ تا ۸۵ درصد بوده است. سهم بالای صادرات نفتی

از صادرات کشور موجب وابستگی شدید اقتصاد کشور به قیمت و صادرات نفت شده است که این موضوع اقتصاد کشور را در مقابل هرگونه تحریم صادرات نفتی بسیار آسیب پذیر کرده است.

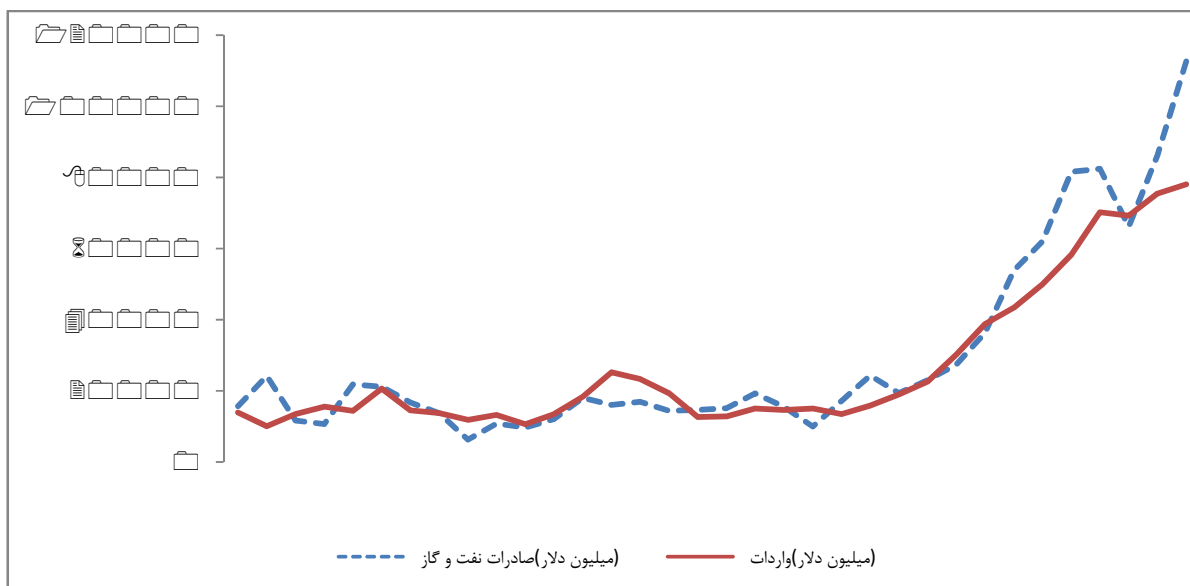
نمودار ۶- سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات



مأخذ: بانک سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

همچنین از آنجا که مهمترین منبع تأمین مالی واردات کشور، ارز ناشی از صادرات نفتی می‌باشد، بنابراین واردات کشور نیز به شدت نسبت به صادرات نفتی آسیب پذیر بوده است. موضوع اخیر از دو جنبه مهم است. اول آنکه با توجه به وابستگی صنایع کشور به واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای، محدودیت صادرات نفتی به طور غیرمستقیم بر این صنایع مؤثر خواهد بود. دوم آنکه برخلاف کشورهای با ترکیب صادراتی متنوع، در اقتصادهای نفتی افزایش واردات بدون تلاش برای خلق ارزش افزوده در سطح رقابت پذیری بین‌المللی (با اهداف صادرات) ممکن می‌باشد.

نمودار ۷- صادرات نفت و گاز و واردات کالا و خدمات

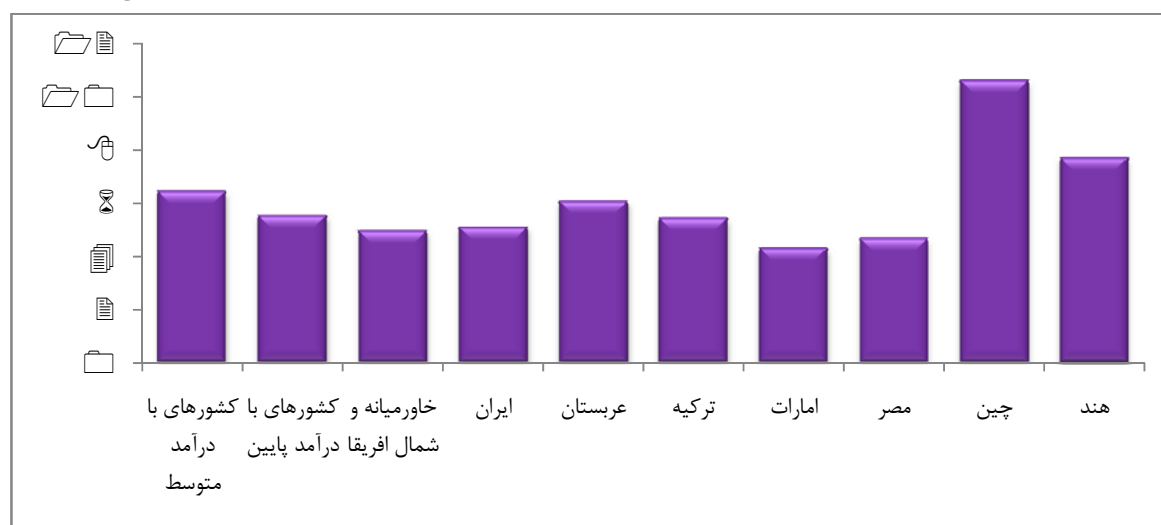


مأخذ: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲-۱-۲- کیفیت پایین رشد اقتصادی

نمودار ۷ به مقایسه متوسط نرخ رشد ایران در دهه ۸۰ با برخی کشورهای منتخب پرداخته است. مقایسه رشد اقتصادی کشور با رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی کشور از کشورهای هم‌رده در دنیا پایین‌تر بوده است. همچنین مقایسه نرخ رشد اقتصادی کشور با کشورهای منطقه نشان می‌دهد در این دهه رشد اقتصادی کشور از کشورهای عربستان سعودی و ترکیه کمتر بوده است. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد هر چند نرخ رشد ۵ درصدی دهه ۸۰ نسبت به رشد ۲/۹ درصدی دهه قبل از آن نرخی بالاتر بوده است با این‌حال نرخ رشد کشور در مقایسه با رشد اقتصادی کشورهای هم‌رده و کشورهای منطقه نسبتاً پایین بوده است.

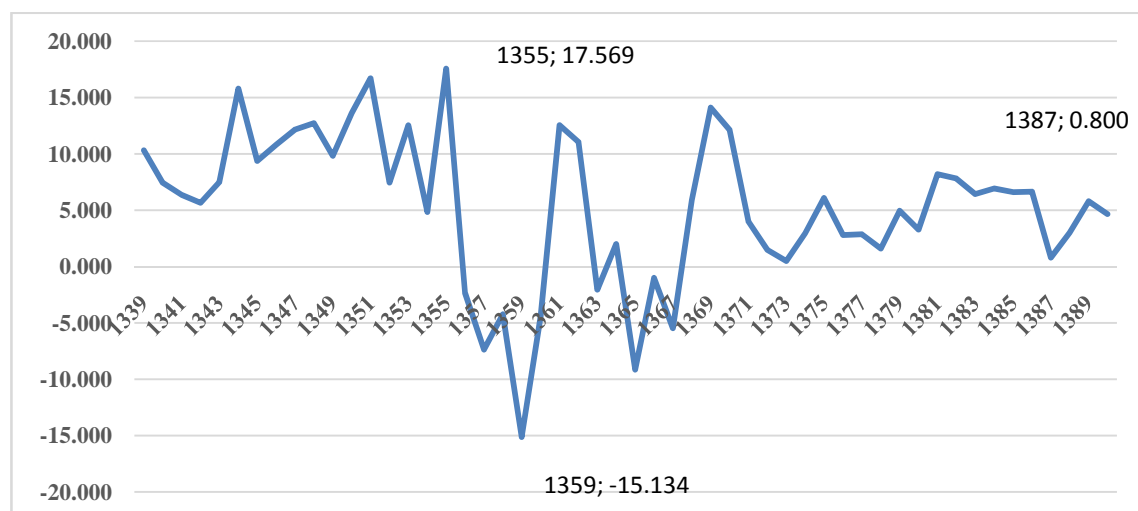
نمودار ۸- متوسط نرخ رشد اقتصادی کشورهای مختلف از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ شمسی)



Source: World Development Indicators (WDI), World Bank.

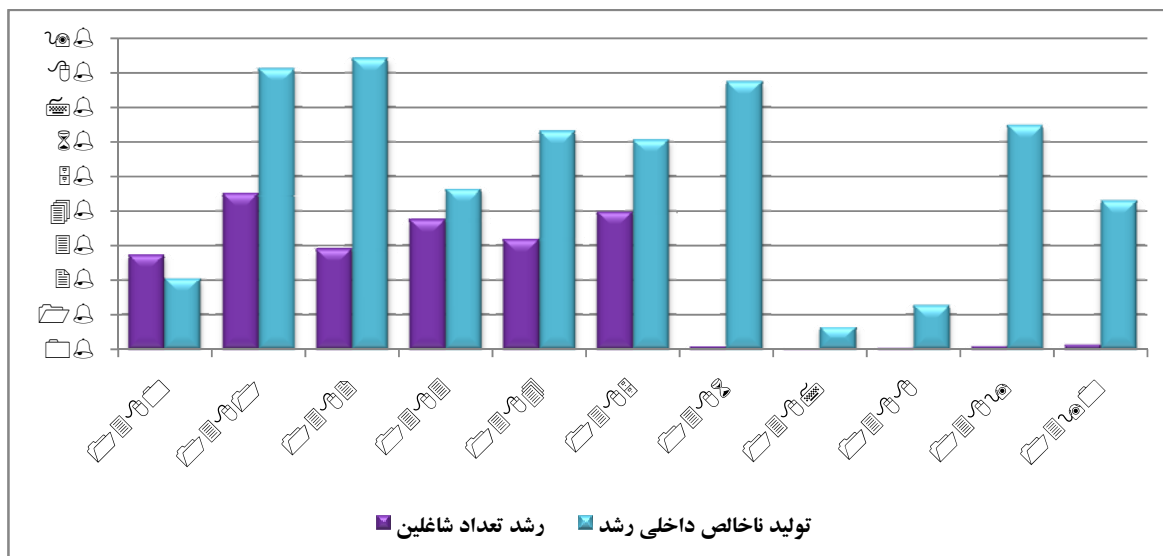
در نمودار زیر نوسانات سیکلی رشد اقتصادی کشور کاملاً مشخص و بیانگر رشد اقتصادی بی‌ثبات در کشور طی دهه‌های اخیر می‌باشد. این امر عموماً توأم با نوسانات قیمت نفت و در نتیجه درآمد نفتی کشور بوده است. در دوره‌هایی با درآمد نفتی بالاتر، رشد نقدینگی و تورم و همچنین واردات، همواره غالب بر امر سرمایه‌گذاری باثبات و زیرساختی در کشور بوده است. به همین دلیل، عمدتاً نوسانات رشد اقتصادی سیکلی و ملازم با دوره‌های رکود و رونق کشور بوده و کمتر بیانگر روندی باثبات و باکیفیت در این امر می‌باشد. جدای از موارد ذکر شده نباید نقش عواملی چون جنگ ۸ ساله، رشد شتابان نرخ ارز، تحریم و سوءمدیریت داخلی را در کیفیت پایین و سیکلی بودن رشد اقتصادی کشور نادیده گرفت.

نمودار ۹- رشد اقتصادی کشور



همانگونه که بیان شد، صرفنظر از مقدار عددی رشد اقتصادی کشور، بررسی میزان کیفی بودن آن نیز بسیار با اهمیت است. به منظور پی بردن هر چه بهتر و بیشتر به این امر، مقایسه میزان رشد اقتصادی کشور و رشد تعداد شاغلین در کشور نیز می‌تواند راهگشا باشد. همانگونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود رشد اقتصادی کشور به‌خصوص در نیمه دوم دهه ۸۰ چندان اشتغال‌زا نبوده است. در کنار این امر بایستی تاثیر عواملی چون نسبت بالای جمعیت جوان جویای کار، تعداد زیاد دانشجویان کشور که خود بخود ورود به بازار کار را به تعویق می‌اندازد، سیاستهای پولی و مالی اعمال شده و ... را نیز در نظر گرفت. منتها از جمیع مطالب عنوان شده اینگونه استنباط می‌شود که دلیل اصلی و یا حداقل مهمترین دلیل رشد اقتصادی غیراشتغال‌زا در اقتصاد ایران، وابستگی اقتصاد کشور به نفت و درآمدهای حاصل از آن می‌باشد.

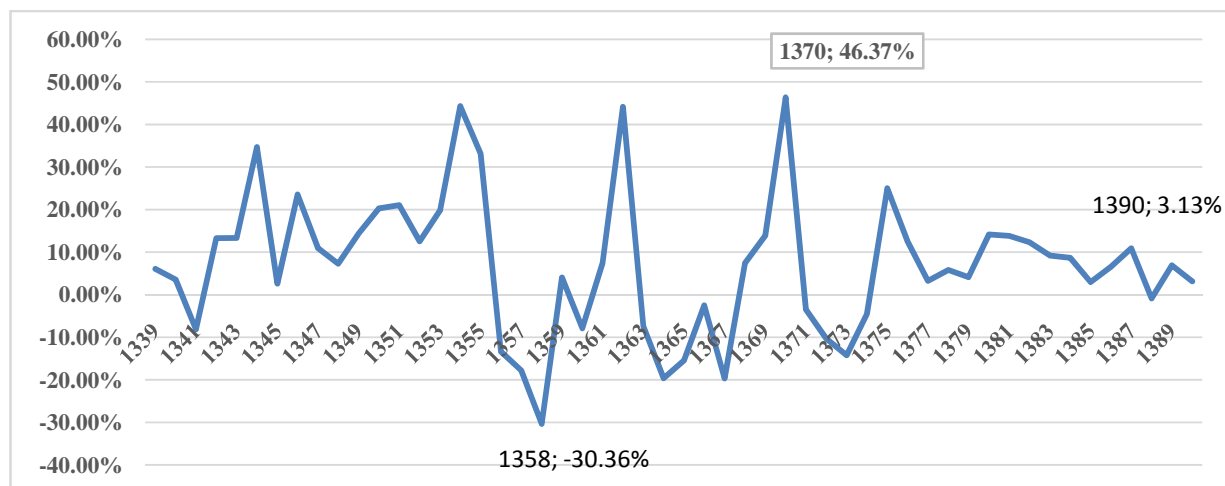
نمودار ۱۰- نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد تعداد شاغلین



مأخذ آمار: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

از جمله موارد دیگر به منظور تایید کلیات مطالب ارائه شده در مورد پایین بودن کیفیت رشد اقتصادی کشور می‌توان ثبات یا عدم ثبات سرمایه گذاری حقیقی در کشور دانست. بر اساس نمودار زیر، روند سرمایه گذاری در کشور روندی سیکلی و کاملاً نوسانی طی ۵۰ سال اخیر بوده است. در دوره های توأم با درآمد نفتی بیشتر میزان سرمایه گذاری بیشتر و در دوره های با درآمد کمتر بلعکس روند ذکر شده بوده است. هر چند که الگوی فوق الذکر در مورد میزان سرمایه گذاری حقیقی کشور متأسفانه طی دوره چهار ساله دوم دولت قبل، که با بالاترین میزان درآمد نفتی کشور همراه بود نیز برقرار نبوده است. نقش نفت و نوسانات قیمتی و درآمدی ناشی از آن بر اقتصاد کشور، در دوره های توأم با رکود و رونق سرمایه گذاری و رشد اقتصادی کاملاً مشهود است.

نمودار ۱۱- رشد سرمایه گذاری حقیقی در کشور



همه نکات فوق اهمیت بخش نفت در وضعیت رشد اقتصادی ایران را نشان می‌دهد. اگر هدف رشد اقتصادی (بدون در نظر گرفتن کیفیت آن) باشد، رشد درآمدهای نفتی حائز اهمیت ویژه است و این موضوع نقش بهره‌وری را در اقتصاد کشور بسیار محدود و تا حد زیادی مغفول ساخته است.

۲-۱-۳- اتکای اقتصاد ایران به تأمین مالی از طریق سیستم بانکی ناکارآمد

نوپا بودن و کم حجم بودن نسبی و همچنین کم عمق بودن بازار سرمایه در کشور مدتهاست که باعث شده مهمترین منبع تأمین مالی سرمایه در کشور سیستم بانکی گردد. این وابستگی تا جایی پیشرفته است که در سالهای اخیر شدیدتر نیز شده است. عدم توازن میان سود پرداختی بانکها به سپرده‌ها و همچنین نرخ کارمزد دریافتی از تسهیلات اعطایی علی‌الخصوص در دو دهه گذشته، به جهت منفی شدن سود حقیقی تسهیلات و سپرده‌ها موجب متضرر شدن سپرده‌گذاران و منتفع شدن وام‌گیرندگان گردیده است.

تشدید رویه فوق‌علی‌الخصوص در سالهای ابتدایی دهه ۹۰ موجب رشد تقاضا برای تسهیلاتی شد که ارزانتر از تورم حاکم بر جامعه بودند. در این دوره ارائه تسهیلات در چارچوبی نادرست به همراه رشد روزافزون وام‌دهی سیستم بانکی موجب بالاتر رفتن ریسک بازپرداخت وام و اقساط خرد و کلان به سیستم بانکی گردید. از این رهگذر، وابستگی تأمین مالی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی به منابع بانکی بیش از پیش افزایش یافت، زیرا دریافت منابع مالی از بانکها با نرخ سود پایین صرفه اقتصادی بیشتری داشت. این امر در حالی صورت گرفت که با رشد وام‌دهی قدرت نظارتی بانک مرکزی بر مدیریت بدهی سیستم بانکی به میزان زیادی کاهش یافت.

کاهش نظارت عملاً موجب گردید که برخی از بانکها به واسطه اعطای تسهیلات، منابع مورد نیاز خود را از بانک مرکزی تأمین کنند. بر اثر این رخداد پایه پولی کشور از طریق افزایش بدهی بانکها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. به این دلیل و همچنین عدم خرج کرد صحیح منابع اعطایی در بخش تولید نقدینگی کشور به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

نتیجه رخدادهای ذکر شده در سالیان اخیر موجب رشد قابل تامل سهم مطالبات مشکوک‌الوصول از مجموع مطالبات غیرجاری در سیستم بانکی گردیده است. به‌گونه‌ای که سهم مذکور از ۳۲ درصد در سال ۱۳۸۶ با افزایش مستمر سالیانه به ۶۴ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است.

رشد بی‌رویه مطالبات مشکوک‌الوصول و غیرجاری نظام بانکی در کنار ساختار سرمایه متزلزل، عدم ارتباط مستمر با نظام بانکی بین الملل و در نتیجه عقب ماندگی از سیستم بانکداری جهانی همه و همه فشار روزافزون بر منابع درآمدی نظام بانکی کشور را موجب شده است. در نتیجه می‌توان چنین عنوان نمود که در غیاب زیرساخت‌های نهادی و سازمانی لازم و نیز عدم اقتدار نظارتی بانک مرکزی، نظام بانکی کشور به یکی از منابع مهم بی‌ثباتی مالی و بحران اقتصادی کشور در سالیان اخیر تبدیل شده است.

۲-۲- جمع‌بندی بخش دوم

در بخش حاضر به صورت اجمالی به بررسی مشکلات زیرساختی اقتصاد ایران پرداختیم. بطور کلی می‌توان مهمترین مشکلات زیرساختی و کلان اقتصاد کشور را در دوران قبل و حتی پس از تحریمها سهم بالای درآمدهای نفتی از صادرات و تأمین مالی واردات، اتکای اقتصاد کشور به تأمین مالی از طریق سیستم بانکی ناکارآمد، سهم بالای درآمدهای نفتی در هزینه‌های دولت و رشد اقتصادی بی‌کیفیت دانست. جمیع مطالب عنوان شده سبب آسیب پذیری شدیدتر اقتصاد کشور نسبت به تحریمهای نفتی، تجاری و مالی گردیده است.

بخش سوم

۳-۱- تحریمها و اقتصاد ایران

هر بار از تحریم اقتصادی سخن گفته می‌شود این پرسش را در پی دارد که اثر بخشی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده در دنیا چه میزان است. بنابراین پیش از هر بحثی در باب تحریم اقتصادی ابتدا باید به این دو نکته توجه داشت که تحریم اقتصادی با چه هدفی اعمال می‌شود و از منظر هدف، آیا تحریم‌های اقتصادی موفقیت‌آمیز بوده‌اند یا خیر؟ بنا به تعریف؛ تحریم‌های اقتصادی عبارتند از دستکاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی. همچنین تحریم اقتصادی اقدام برنامه‌ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. در نتیجه، تحریم ممکن است در یکی از این معانی به کار رود:

- تحریم یا بایکوت^۳ در علوم سیاسی، فعالیتی اعتراضی در شکل خودداری از انجام یک کار، مانند: تحریم انتخابات، تحریم بازی‌های المپیک .
- تحریم یا سانکشن^۴، نوعی جریمه که با هدف واداشتن تحریم شونده به اطاعت از قانون صورت می‌گیرد، مانند: تحریم‌های علیه ایران
- تحریم‌های اقتصادی نیز عمدتاً از دو طریق اعمال می‌شود. تحریم تجاری و تحریم مالی. تحریم تجاری که با محدود کردن یا قطع کردن انواع روابط وارداتی و صادراتی همراه می‌شود. در تحریم مالی محدودیت و فشارهایی بر روابط مالی کشور هدف اعمال می‌شود. یعنی سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و معاملات مالی کشور تحت فشار قرار می‌گیرد.
تقسیم‌بندی دیگری می‌توان از جهت «منشأ» تحریم نیز در نظر داشت.

۱- تحریم یک جانبه: در این نوع، کشور فرستنده تحریم براساس تصمیم یکطرفه خود تحریم را اعمال می‌کند.

۲- تحریم چند جانبه: که از سوی چند کشور علیه کشور هدف صورت می‌گیرد.

۳- تحریم سازمان ملل: این تحریم به وسیله شورای امنیت اعمال می‌شود. از آنجا که در تحریم یک طرفه، فقط یک کشور روابط تجاری و مالی خود را با کشور هدف محدود می‌کند، در نهایت این تحریم آثار سوء کمتری خواهد داشت. میزان این اثرگذاری به نفوذ اقتصادی کشور فرستنده تحریم در کشور هدف بستگی دارد..

البته در سطح کشور تحریم‌شده، میزان افزایش هزینه‌ها به میزان وابستگی آن کشور به طرف تحریم‌کننده بستگی دارد. در تحقیقی که در خصوص اثربخشی تحریم‌های اقتصادی صورت گرفت، بیان شد که ۱۷۶ مورد تحریم اقتصادی از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۰ اعمال شده که حدود ۶۶ درصد آن موفق نبوده و ۳۴ درصد بقیه هم فقط نسبتاً موفق بوده‌اند. از سال ۱۹۷۳ تاکنون هم ۲۴ درصد تحریم‌های اقتصادی نسبتاً موفق ارزیابی شده‌اند.

بدیهی است که آثار و هزینه‌های تحریم چند جانبه نسبت به تحریم یک جانبه می‌تواند بیشتر باشد. تحریم شورای امنیت سازمان ملل که به صورت همه جانبه صورت می‌گیرد، برای اعضا لازم‌الاجراست و بعد حقوقی و قانونی هم دارد. در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰، یعنی در طول نزدیک به ۷۵ سال، در مجموع ۱۱۵ تحریم اقتصادی علیه کشورهای مختلف تصویب و به اجرا گذاشته شده است. اما از سال ۱۹۹۰، تعداد تحریم‌های اقتصادی به شدت افزایش یافته است. این امر عمدتاً پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، کاربرد وسیعی یافته است. دولت آمریکا بزرگترین سهم را در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی داشته است و در مجموع، دوسوم تحریم‌های اقتصادی جهان توسط دولت آمریکا اعمال گردیده است.

شایان توجه است که به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، سهم آمریکا در تحریم‌های اقتصادی جهان به شدت افزایش یافته است به گونه‌ای که طی دوره ۱۹۱۸-۱۹۹۰ دولت آمریکا مسئول ۷۷ مورد از کل ۱۱۵ تحریم‌های اقتصادی جهان، یعنی ۶۷٪ کل تحریم‌ها بوده است. طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۹ سهم آمریکا در کل تحریم‌های اقتصادی جهان به ۹۲٪ افزایش یافته است. تنها در دوره اول ریاست جمهوری آقای کلینتون دولت آمریکا ۶۱ تحریم اقتصادی را علیه ۳۵ کشور جهان، با جمعیتی بالغ بر ۲.۳ میلیارد نفر (یعنی ۴۲٪ کل جمعیت جهان و ۷۹۰ میلیارد دلار صادرات، یعنی ۱۹٪ صادرات جهان) به اجرا گذاشت.

³ Boycott

⁴ Sanction

اهداف گوناگون این تحریم ها عبارت بودند از جلوگیری از نقض حقوق بشر: ۲۲ مورد، مبارزه با تروریسم بین المللی: ۱۴ مورد، منع گسترش سلاح های هسته ای: ۹ مورد، حمایت از حقوق کارگران: ۶ مورد، حفظ محیط زیست: ۳ مورد و جلوگیری از گسترش مناقشات و جنگ های داخلی: ۷ مورد.

۲-۲- هزینه های تحریم:

هزینه های تحریم اقتصادی بسته به نوع تحریم متفاوت است. چنانچه تحریم به صورت یک جانبه از سوی یک کشور انجام شود اثر بخشی تحریم کمتر و به همین نسبت چنانچه از سوی چند کشور یا از سوی شورای امنیت سازمان ملل اعمال شود اثربخش تر است. البته تحریم های همه جانبه شورای امنیت بسیار نادر است و نباید تحریم های یک جانبه را از نظر هزینه با تحریم های شورای امنیت مقایسه کرد. در تحریم های یک جانبه هزینه واردات و صادرات افزایش می یابد و کالاهای صادراتی قدرت رقابت خود را از دست می دهند و واردات نیز گران تر می شود و در نتیجه با مقدار معینی سرمایه کالای کمتری وارد کشور می شود. در بخش مالی نیز تحریم باعث افزایش نرخ بهره و افزایش هزینه های تامین مالی میان مدت و بلند مدت نه تنها دشوارتر، بلکه حتی در برخی موارد اساساً قطع می شود. هزینه های دیگر تحریم بدین قرارند:

- ۱- وقت و انرژی کشور هدف تلف می شود. در واقع برای تغییر جهت تجارت و مناسبات مالی وقت زیادی باید صرف شود که خود دارای هزینه است.
- ۲- تحریم سبب نوعی بلا تکلیفی در اقتصاد شده و سرمایه گذاران داخلی و خارجی را برای انجام سرمایه گذاری وادار به تامل و صبر می کند. در این زمان سرمایه گذاران به مناطق دیگر جذب می شوند و کشور هدف از رقابت در جذب سرمایه گذاری باز می ماند.
- ۳- کشورهای مختلف که در تحریم شرکت نکرده اند با تردید به فضای سرمایه گذاری نگاه می کنند و با اکراه به سرمایه گذاری می پردازند. بسیاری از شرکت هایی که با کشور تحریم کننده دارای روابط اقتصادی هستند از تیره شدن روابط خود با آن کشور نگران می شوند و حتی المقدور از انجام سرمایه گذاری خودداری می کنند. اینان حتی اگر خطر سرمایه گذاری را نیز بپذیرند هزینه هنگفتی را برای آن در نظر می گیرند.
- ۴- ریسک تجارت و سرمایه گذاری بالا می رود و هزینه های هرگونه تامین مالی نسبت به میانگین جهانی و منطقه ای افزایش می یابد. این امر موجب اتلاف منابع مالی می گردد.
- ۵- چنانچه کالای اصلی کشور هدف تحریم قرار گیرد ضربه بر اقتصاد کلان آن کشور بسیار سنگین خواهد بود.
- ۶- فضای روانی منفی برای فعالیت های اقتصادی موجب کاهش سرمایه گذاری، کندی رشد و افزایش تورم می گردد.

امروزه در دنیا هیچ کشوری فقط به منابع داخلی خود به عنوان عوامل تولید تکیه نمی کند بلکه حساب ویژه ای روی منابع بین المللی به منظور افزایش قدرت تولید باز کرده و سعی می کند تا چند برابر منابع داخلی خود از منابع خارجی استفاده کند. در این صورت، اولین اثر کلان تحریم کاهش منابع بین المللی و غیرداخلی است. در این حالت، اقتصاد نمی تواند با اتکای محض به منابع داخلی در مسیر شتابان رشد و توسعه قرار گیرد. ایران در چنین گردابی قرار گرفته است. با توجه به تحریم ها میزان درآمد ارزی از صادرات بسیار کم شده و این امر به معنی نیروی انسانی فاقد کار و عدم رضایت مردم از یک اقتصاد است.

۳-۲- بیان کلی تحریم های وضع شده بر ایران به صورت تفکیکی:

عمده تحریم ها علیه ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و همچنین پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران شکل گرفت و در پی چالش بر سر برنامه هسته ای ایران شدت بیشتری یافت. برنامه اتمی ایران از سال ۸۵ و به دنبال ارجاع این پرونده از آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، با تحریم های مختلفی مواجه شده است. تحریم های ایران را از نظر تحریم کنندگان می توان به ۴ دسته کلی تقسیم بندی کرد:

۱. تحریم های چندجانبه هم چون تحریم های شورای امنیت سازمان ملل
۲. تحریم های اتحادیه اروپا
۳. تحریم های تک جانبه از سوی کشورهای مختلف مانند ایالات متحده
۴. تحریم های کنگره آمریکا

قدرت‌های دنیا با ادعای انگیزه توقف در پیشرفت برنامه اتمی ایران تحریم‌هایی علیه ایران شکل دادند. به گفته کارشناسان این تحریم‌ها بر روی برنامه اتمی ایران تأثیرگذار نبوده‌است، بلکه تأثیرات منفی بر روی اقتصاد ایران گذاشته است. این تحریم‌ها در زمینه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی، فروش سلاح و مهمات می‌باشد. از جمله تأثیرگذارترین این تحریم‌ها می‌توان به تحریم صادرات نفت و بانک مرکزی کشور اشاره کرد که اقتصاد تک‌محصولی ایران (نفت) و نقش بانک مرکزی در وصول درآمد سهل حاصل از فروش نفت به کشورهای جهان را هدف گرفته است.

۳-۳-۱- تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل:

پس از رئیس جمهور شدن محمود احمدی‌نژاد در ایران و به دنبال شدت گرفتن اختلافات بین ایران و کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، دو قطع‌نامه تحریمی علیه ایران وضع گردید. این تحریم‌ها عمدتاً برگرفته از فصل هفتم^۵ منشور سازمان ملل هستند. پس از اعمال دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، کشورهای ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحریم‌های یک جانبه فراتر از قطع‌نامه تصویب شده را نیز علیه ایران اعمال کردند. به همین منظور و در هنگام تصویب هر کدام از قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، کمیته‌های تحریم تشکیل شده‌اند که کارشان بررسی این است که چه کسانی و به چه طریقی هدف این تحریم‌ها خواهند بود.

جدول شماره ۱- مهمترین تحریم‌های شورای امنیت بر علیه ایران

شماره	خلاصه مهمترین موارد تحریم اعمالی توسط شورای امنیت سازمان ملل بر ایران
۱	تجهیزات غنی سازی اورانیوم و آب سنگین اراک (قطعنامه ۱۷۳۷)
۲	بلوکه کردن داراییهای اشخاص و نهادهای ایرانی ذکر شده در قطعنامه (قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹)
۳	تحت تعقیب قرار دادن تبدیل تجهیزات آب سنگین اراک به آب سبک (قطعنامه ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷)
۴	تحت تعقیب قرار دادن صادرات تجهیزات نظامی و آب سنگین (قطعنامه ۱۷۴۷)
۵	منع ایران از سرمایه گذاری در معادن اورانیوم مرتبط با تکنولوژیهای هسته ای و موشکهای بالستیک (قطعنامه ۱۹۲۹)
۶	ایران ملزم به عدم توسعه برنامه موشکی گردد (قطعنامه ۱۹۲۹)
۷	کشورها نباید سیستمهای کشتار جمعی انبوه را به ایران صادر کنند (قطعنامه ۱۹۲۹)

۳-۳-۲- تحریم‌های اتحادیه اروپا

اولین تحریم اتحادیه اروپا علیه برنامه اتمی ایران بر مبنای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، بهمن سال ۱۳۸۶ (فوریه ۲۰۰۷) تصویب شد. اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌هایی به ایران که می‌توانست در گسترش فناوری‌های موشکی و اتمی کاربرد داشته باشد، هدف اولین دور از تحریم‌های اتحادیه اروپا بود. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد به حمل و نقل هوایی و دریایی، معاملات بانکی، فروش نفت و سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز ایران گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌ها، اشخاص و شرکت‌های مورد تحریم بیشتری را شامل شد.

۳-۳-۳- تحریم‌های یک جانبه دولت‌ها

آمریکا، بریتانیا، کانادا سه کشور اصلی اند که دولت آنها به پیروی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های یکجانبه ای را علیه برنامه اتمی ایران به تصویب رسانده اند. از حیث تنوع و گستردگی، تحریم‌های آمریکا علیه ایران یکی از وسیع ترین تحریم‌های تصویب شده یک جانبه علیه یک کشور است. به دلیل ارتباطات وسیع سیاسی و تجاری با کشورهای مختلف جهان، آمریکا بسیاری از تحریم‌های یک جانبه اش علیه ایران را توانسته عملاً به دیگر کشورها تسری دهد. به گونه ای که اقدام‌های لازم برای لغو این تحریم‌ها باید در نهادهای تصمیم گیرنده این کشورها و در سطح ریاست جمهوری یا بالاترین مقام اجرایی کشور انجام شود.

^۵ در این فصل از منشور سازمان ملل صحبت از «تهدید و یا نقض صلح در جهان» به میان آمده‌است. اصل ۴۲ فصل هفتم این اجازه را می‌دهد که برای تضمین صلح، تصمیم‌های ویژه گرفته شود، حتی اگر احتیاج به متوسل شدن به نیروی نظامی باشد.

۳-۳-۴- تحریم های کنگره امریکا

دشوار ترین بخش در لغو تحریم ها علیه برنامه اتمی ایران مربوط به تحریم های کنگره امریکاست. بر اساس قوانین این کشور، دولت اختیاری درباره تحریم های کنگره نخواهد داشت و صرفاً می تواند به مدت شش ماه اجرای آنها را به تاخیر بیندازد. بطور مثال، دولت بعدی می تواند ضرورتاً اجرای تحریم ها را هر شش ماه یک بار به تعویق نیندازد یا "قانون تحریم ایران" را که کنگره وضع کرده و دسامبر ۲۰۱۶ منقضی می شود دوباره تمدید کند.

جدول شماره ۲- مهمترین تحریمهای کنگره امریکا بر علیه ایران

تاریخ	شرکت یا کشور مورد تحریم	وضعیت
۲۰- سپتامبر-۲۰۱۰	شرکت معاملات بین المللی نفتیران (NICO) سوئیس، ایران	اعمال تحریم: برپا تمام فعالیتهای توسعه ای بخش انرژی ایران
۲۹- مارس-۲۰۱۱	بلاروسنفت	اعمال تحریم: بدلیل بستن قرارداد ۵۰۰ میلیون دلاری با شرکت (NICO) برپا توسعه بخش نفت
۲۴- می-۲۰۱۱	کمپانی اماراتی Royal Oysrer group ، کمپانی تانکر پاسیفیک سنگاپور، کمپانی کمپانی Allvale Maritime لیبریا کمپانی SAMAMA موناکو، کمپانی Speedy Ship امارات-ایران، کمپانی کمپانی Associated Shipbroking موناکو کمپانی PDVSA ونزوئلا	اعمال تحریم: بدلیل فروش گازوئیل و کمک به واردات این محصول به ایران.
۱۲- می-۲۰۱۲	کمپانی Zhuhai Zhenrong چین کمپانی Kuo سنگاپور کمپانی FAL Oil امارات	اعمال تحریم: بدلیل فروش گازوئیل به ایران
۱۲- آگوست-۲۰۱۲	کمپانی سیترویل سوریه	اعمال تحریم: بدلیل فروش گازوئیل به ایران
۱۴- مارس-۲۰۱۳	کمپانیهای ایرانی: Dr.Dimitris Cambis; Impire Shipping; Kish Protection and Indemnity; بیمه مرکزی ایران	اعمال تحریم: بدلیل فشار بر رگه های حیاتی کشور در انتقال نفت ایران و بیمه کشتیرانی.
۱۲- آپریل-۲۰۱۳	کمپانی تانکر پاسیفیک سنگاپور ، کمپانی Allvale Maritime لیبریا، کمپانی کمپانی SAMAMA موناکو	تحریم این کمپانیها لغو شد
۳۱- می-۲۰۱۳	کمپانی فرلند: فبرس و اوکراین	اعمال تحریم: بدلیل مشارکت غیرقانونی در فروش نفت خام ایران
۲۹- آگوست-۲۰۱۴	کمپانی ایتالیایی Dettin SPA	اعمال تحریم: بدلیل فراهم کردن کالاها و خدمات برای صنعت پتروشیمی ایران

۳-۴- کانالهای اثرگذاری تحریم بر اقتصاد ایران

اثرگذاری تحریم به عنوان عاملی مهم بر اقتصاد ایران امری مسلم قلمداد می‌گردد. بر همین اساس شناسایی اثرات ناشی از آن بر پیکره اقتصاد کشور از منظر متغیرهای اساسی اقتصاد کلان کشور مفید ارزیابی می‌شود. مسایلی چون وابستگی بودجه دولت به نفت، نرخ ارز، تورم، بیکاری و ... به عنوان متغیرهای اولیه مهم در اقتصاد کشور قلمداد می‌شود و در نتیجه و میزان اثرپذیری آنها از مساله تحریم از دو جنبه مفید به فایده است. جنبه اول شناسایی هر چه بیشتر و بهتر متغیرهای فوق الذکر و رفتار آنها در مواقع بحران و تحریم بر اقتصاد کشور است و از جنبه دوم تاثیر متغیرهای فوق الذکر بر سایر بخشها و متغیرهای تاثیرگذار بر اقتصاد کشور به گونه ای بهتر و دقیقتر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. وابستگی بالای بودجه دولت به درآمدهای نفتی از مهمترین مسایلی است که موجب اثرگذاری و آسیب پذیری هر چه بیشتر اقتصاد کشور در نتیجه تحریم گردیده است. کاهش صادرات نفتی پس از اعمال تحریمها و در نتیجه بروز کسری بودجه دولت امری واضح است. اثرگذاری بیشتر این مساله بر اقتصاد کشور نشانگر این امر است که ضعف عمده سیستم مالیاتی کشور، دولت را وادار می‌سازد که از طریق نوسانات نرخ ارز، کاهش هزینه های عمرانی و همچنین استقراض از بانک مرکزی کسری بودجه ناشی از کاهش درآمد نفتی را تا حدی جبران نماید. یکی دیگر از جنبه های مهم اثرگذاری تحریمها بر اقتصاد کشور وارداتی بودن کشور از حیث کالای واسطه ای و نهایی است. با توجه به وابستگی زیاد به این محصولات علی الخصوص در بخش تولید، کاهش حجم واردات ناشی از تحریمها بخش تولید و در نتیجه اشتغال کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کاهش هزینه‌های عمرانی یکی از راهکارهای دولت برای تامین نقدینگی مورد نیاز خود به منظور اداره کشور در سالهای تحریم بوده است. این امر با توجه به تأثیرگذاری بر زیرساخت‌های لازم بخش تولید و همچنین سرمایه‌گذاری به منظور ایجاد رشد باکیفیت در بخش تولید می‌تواند بر کاهش تولید، اشتغال و در نتیجه بروز رکود در اقتصاد کشور تأثیرگذار باشد. از دیگر مسایل مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد کشور که در نتیجه تحریمها اثرات منفی آن به مراتب بیش از پیش مشخص گردید تورم است. کسری بودجه دولت و در نتیجه استقراض از بانک مرکزی عملاً موجب رشد فزاینده نقدینگی در کشور گردید. متأسفانه در سالهای گذشته این نقدینگی به طرو متناسب به سمت تولید هدایت نشده و بخش اعظمی از آن بصورت راکد و در سیستم بانکی کشور محبوس گردید. از طرف دیگر سیستم بانکی نیز به دلیل بروز تحریمها، سومدیریت، عقب ماندگی از سیستم مالی و پولی بین الملل و ... در استفاده بهینه از منابع مالی و همچنین امر سرمایه گذاری موفقیت چشمگیری نداشته است.

روایت رسمی دولت از این موضوعات و همچنین مسایل مرتبط با تحریم بر اقتصاد ایران، در گزارش «چرایی بروز رکود تورمی و جهت‌گیری‌های برون‌رفت از آن» منتشر شد. طبق این تحلیل در اواخر سال ۱۳۹۰ تحریم‌های اقتصادی در بخش‌های بانکی، نفت و تجارت بر فضای اقتصادی کشور حاکم شد. تحریم مبادلات نفتی در کنار سایر عوامل سبب کاهش شدید صادرات نفت کشور در سال ۱۳۹۱ شد. به طوری که صادرات نفت از حدود ۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱ میلیون و ۱۳۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۹۱ رسید. کاهش صادرات نفت، کاهش تولید نفت را به دنبال داشت که در نتیجه آن ارزش افزوده این بخش با کاهش ۳۷/۴ درصدی در سال ۱۳۹۱ مواجه شد. از سوی دیگر کاهش صادرات نفت کاهش درآمدهای ارزی دولت را در پی داشت که در کنار اثر تحریم‌های مالی و تحریم‌های تجاری درآمدهای ارزی در دسترس دولت کاهش یافت.

در اولین مرحله، کاهش درآمدهای ارزی با اثر بر بودجه دولت در سال ۱۳۹۱ بر ارزش افزوده بخش خدمات اثر منفی گذاشت؛ بودجه عمرانی دولت در سال ۱۳۹۱ با رشد منفی ۴۷ درصدی مواجه شد و به حدود نصف بودجه عمرانی سال ۱۳۹۰ رسید. لذا با در نظر گرفتن قیمت‌های ثابت، اثر کاهش درآمدهای در دسترس نفتی بر کاهش بودجه عمرانی سال ۱۳۹۱ بسیار تعیین کننده است. از سوی دیگر، کاهش درآمدهای ارزی به کاهش واردات مواد اولیه منجر شد که از این طریق ارزش افزوده بخش صنعت و معدن نیز کاهش یافت.

باید توجه داشت تحریم‌ها علاوه بر هدف‌گیری مبادلات نفتی، مالی و تجاری، ضلع چهارمی نیز داشت که کل ارکان نظام اقتصادی را با چالش مواجه می‌کرد. این ضلع، «نااطمینانی» ناشی از تصویب تحریم‌های جدید در کنار اخباری بود که تصویر مثبتی از آینده روابط اقتصادی و سیاسی با جهان ارائه نمی‌داد. نااطمینانی حادث شده فراتر از تحریم‌های مالی، دارای ابعاد گسترده‌ای بود و از پس‌انداز خانوارها تا سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و از بازار سرمایه تا بازار پول را تحت تأثیر و تلاطم قرار می‌داد.

جدول شماره ۳- میزان فروش نفت ایران قبل و بعد از اعمال تحریمهای گسترده علیه ایران

کشور	میانگین خرید ۲۰۱۱	میانگین خرید پس از تحریم JPA	درصد کاهش
اتحادیه اروپا (بخصوص ایتالیا، اسپانیا و یونان)	۶۶۰.۰۰۰	عدم خرید	٪۱۰۰
چین	۵۵۰.۰۰۰	۴۱۰.۰۰۰	٪۲۵.۴۵
ژاپن	۳۲۵.۰۰۰	۱۹۰.۰۰۰	٪۴۱.۵۳
هند	۳۲۰.۰۰۰	۱۹۰.۰۰۰	٪۴۰.۶۳
کره جنوبی	۲۳۰.۰۰۰	۱۳۰.۰۰۰	٪۴۳.۴۸
ترکیه	۲۰۰.۰۰۰	۱۲۰.۰۰۰	٪۴۰
افریقای جنوبی	۸۰.۰۰۰	عدم خرید	٪۱۰۰
مالزی	۵۵.۰۰۰	عدم خرید	٪۱۰۰
سریلانکا	۳۵.۰۰۰	عدم خرید	٪۱۰۰
تایوان	۳۵.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	٪۷۱.۴۳
سنگاپور	۲۰.۰۰۰	عدم خرید	٪۱۰۰
دیگر کشورها	۵۵.۰۰۰	عدم خرید	٪۱۰۰
جمع کل	۲.۰۰۰.۰۰۰ بشکه در روز	۱.۰۵۷.۰۰۰ بشکه در روز	٪۴۷.۱۵

۳-۵- تحریم بخش بانکی:

نخستین بار در دی ماه سال ۸۵ آمریکا بانک ایرانی سپه را با ذکر اتهامهایی مانند ارتباط با یک مؤسسه مرتبط با فناوری موشکی در کره شمالی، مورد تحریمهای یک جانبه قرار داد، امری که سه ماه بعد مبنای اعمال تحریمهای بین المللی گسترده ای از سوی شورای امنیت علیه این بانک شد. در مهرماه ۸۷ وزارت خزانه داری آمریکا سه بانک ملی، ملت و صادرات را مشمول چنین تحریمهایی قرار داد. این وزارتخانه، بانک صادرات ایران را به خاطر انتقال پول به حزب الله لبنان، جنبش حماس و سازمان جهاد اسلامی فلسطین و بانک ملی را به دلیل ارائه خدمات مالی به شرکتهای مرتبط با برنامه موشکی و هسته ای ایران، تحریم کرد و پس از آن نوبت به بانک ملت رسید. براساس ادعاهایی همچون تخصیص میلیونها دلار به برنامه هسته ای ایران و تسهیل در انتقال پول برای این منظور، ابتدا بانک پرشیا لندن و سپس شعبه مالزی بانک ملت مشمول این تحریم ها شدند.

۳-۵-۱- تأثیرات تحریم بانکها بر روی سیستم مالی و پولی کشور:

- ۱- **تأثیر روی حساب ذخیره ارزی:** از اولین روز تحریم در اولین بانک ایرانی (سپه)، کلیه پرداختهای حساب ذخیره ارزی اعتبارات گشایش شده و فعال به این دلیل که فروشندگان از ارسال کالاهای مورد قرارداد به علت عدم امکان معامله اسناد و دریافت وجه خودداری می نمایند تحت تأثیر قرار گرفت. در نتیجه، کالاهای گشایش اعتبار شده از محل حساب ذخیره ارزی بلاتکلیف ماند.
- ۲- **افزایش مخاطره در خصوص منابع بانک:** از آنجاییکه ایرانیان زیادی با شعب خارج از کشور بانکها دارای مراودات مالی می باشند، لذا با اعمال این تحریمها، بخش عظیمی از منابع بانکها در این کشورها به مخاطره می افتاد. در عین حال، برخی از مشتریان خارجی نیز مراوداتی با این شعب داشته اند که منجر به این مسأله میگردد که فرایند تجارت با شرکتهای و افراد ایرانی سختتر گردد.
- ۳- **افزایش مطالبات:** با اعمال تحریم و محدودیت شرکتهای در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از طریق بانکها، مشتریانی که منابع مورد نیاز خودشان را از طریق گشایش اعتبار تأمین می کردند، دچار مشکل شدند و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرایند تولید، نمی توانستند محصولات خود را طبق زمانبندی پیش بینی شده تولید نمایند. از اینرو، به علت عدم توانایی در بازپرداخت تسهیلات، بانک های تحریم شده در کوتاه مدت با افزایش مطالبات مواجه شدند.

- ۴- **تأثیر بر روی ریسک اعتباری:** از زمان شروع اولین تحریم علیه بانکهای ایرانی، به دلیل نگرانی از بابت امنیت صادرات، ریسک اعتباری مرادات با ایران بالا رفت و نرخ پوشش بیمه صادرات کالا به ایران رو به افزایش رفت و این مورد منجر به افزایش هزینه‌ها و قیمت نهایی کالاهای صادراتی به ایران شد.
- ۵- **افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای:** از شروع تحریمها علیه ایران، شاهد رشد روزافزون قیمت کالاهای سرمایه‌ای (ماشین آلات و تجهیزات) از کشورهای اروپایی هستیم و این موضوع با توجه به افزایش ناچیز تورم در این کشورها (در حدود یک درصد) به موضوع تحریم و عدم امنیت در کشور ایران برمی‌گردد.
- ۶- **کاهش اعتماد بین المللی به سیستم بانکی:** اعتماد فروشندگان بین المللی نسبت به بانک های ایرانی به شدت کاهش یافت، به طوری که بر عدم انجام مرادات با بانکهای ایرانی تأکید کرده و اشاعه این موضوع در سطح وسیع بانکی اثرات جبران ناپذیر را به همراه داشت.
- ۷- **تحمیل هزینه های تامین مالی:** از آثار مهم تحریم بانکها می‌توان به افزایش هزینه‌های تأمین مالی اشاره نمود. افزایش نرخ حق بیمه تسهیلات، نرخ تنزیل اسناد ایران در بانکهای خارجی، کارمزدهای بانکی پرداختی در مرادات با بانکهای خارجی، هزینه خرید از واسطه‌ها، هزینه کارمزد گشایش اعتبارات اسنادی، و سرانجام هزینه‌های جایگزینی کارگزاران بانکی، از جمله هزینه‌هایی هستند که بر نظام بانکی کشور تحمیل شدند.
- ۸- **کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی:** مهمترین عاملی که کلیه بانکهای تحریم شده را در بر گرفت، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی در داخل کشور و خروج بیشتر سرمایه از کشور به دلیل افزایش زمان و هزینه (در قسمت ورود کالا و خدمات از طریق گشایش ها) و تسری آن به سایر بخش‌ها، به خصوص در بخش تولید بود.

۳-۵-۲- تأثیرات تحریم بانک‌ها بر سودآوری شرکتهای طرف معامله با سیستم بانکی

- ۱- **گشایش اعتبار و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها:** تحریم بانکهای ایرانی در شرایطی اعمال شد که حجم عظیمی از منابع بانکها در اختیار بانکهای ملی، ملت، صادرات و سپه (نزدیک به ۸۰ درصد عملیات بانکی) قرار داشت و در نتیجه به مشکل خوردن گشایش اعتبار و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها دور از انتظار نبود. در این شرایط، شرکت‌ها قادر نبودند تا از منابع مالی بین المللی به منظور اجرایی کردن طرحهای توسعه‌ای خود بهره‌مند شوند. این امر از یکسو احتمال ناکارآمدی سرمایه و به تعویق افتادن طرحهای توسعه‌ای شرکتها را افزایش می‌داد و از سوی دیگر، باعث افزایش بیکاری و کاهش حجم تولیدناخالص داخلی و مشکلات اقتصادی گردید.
- ۲- **محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی:** بخش عظیمی از تولیدات داخلی، وابسته به واردات مواد اولیه و لوازم یدکی، تجهیزات و فناوری از سایر کشورها می‌باشد. بررسی روند رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سهم واردات از تولید ناخالص ملی در همه سطوح درآمد سرانه از ۲۱ درصد کمتر نبوده است. عملکرد بلندمدت اقتصادها حاکی از آن است که پا به پای صادرات و رشد تولید و درآمد سرانه، سهم واردات از تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. (خلل در سیستم اعتبارات اسنادی)
- ۳- **افزایش هزینه و زمان معاملات و مرادات:** اعمال تحریم علیه بانک های ایرانی باعث شد شرکتهای ایرانی که در زمینه خرید و فروش کالا با کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند، ناگزیر شوند در فقدان پشتوانه بانکی، مشکلات را دور بزنند و از طریق واسطه‌ها و دلالان کشورهای ثالث گشایش اعتبار کنند. پیامد چنین کاری، بالا رفتن هزینه معامله و صرف زمان طولانی‌تری برای رسیدن به اهداف و تأثیر منفی بر کیفیت و زمانبندی آنهاست. روشن است که در چنین شرایطی بخش بزرگی از انرژی مفید تولیدکننده‌ها و شرکتهای داخلی، به جای جریان یافتن در روند تولید و توسعه، به فرسایش زمانی می‌گذرد. این وضعیت، علاوه بر ایجاد بار تورمی، تولیدکنندگان را تحت فشار قرار می‌دهد و از حاشیه سود آنها می‌کاهد و حتی چه بسا هزینه‌های تمام شده برای آنان بیش از قیمت

فروش باشد. طبیعی است که در چنین شرایطی، تولیدکنندگان نتوانند طبق انتظارات قبلی به تعهدات مالی خود در برابر بانکها عمل نمایند و بازپرداخت تسهیلات دریافتی با تأخیر مواجه شود.

۴- **قطع منابع ارزی و عدم تزریق پول به شرکتهای:** اعمال تحریم، شرکتهای را در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از بانکها و تأمین کنندگان سرمایه داخلی دچار مشکل کرد. لذا تولیدکنندگانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق فاینانس و یوزانس تأمین می‌کردند، با تنگنا مواجه شده و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرایند تولید، نمی‌توانستند محصولات خود را طبق زمانبندی پیش بینی شده تولید نمایند. از اینرو، اح به دلیل عدم تحقق منابع مالی لازم و عدم تحقق درآمدهای انتظاری، قادر به بازپرداخت تسهیلات بانکی در موعد مقرر نبوده و پرداخت تسهیلات ریالی آنها نیز با تعلل مواجه می‌شد.

۵- **افزایش ریسک سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران خارجی:** به رغم تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی و رفع ابهامات قانونی که باید جذب سرمایه‌های خارجی را تسریع نماید، با اعمال تحریم، سرمایه‌گذاران خارجی و سایر مؤسسات تأمین مالی خارجی به لحاظ افزایش ریسک که از این بابت در کشور ایجاد شد، عملاً از سرمایه گذاری در کشور اکراه داشتند.

۳-۶- جمع بندی بخش سوم

در بخش حاضر به بررسی تحریمهای وضع شده بر کشور پرداختیم و با تحریمهای ۴ گانه شورای امنیت، کنگره امریکا، اتحادیه اروپا و تحریمهای یکجانبه برخی از دولتها بر کشور پرداختیم. تحریمهای فوق الذکر عمدتاً به منظور متوقف سازی برنامه هسته ای ایران اعمال شدند که در این مسیر توفیق چندانی نیافتند اما بیشترین تاثیرها را بر پیکره اقتصاد ایران وارد آوردند. تحریمهای شورای امنیت شدیدترین تاثیرات را بر اقتصاد ایران بر جا گذاشته و همچنین تحریمهای کنگره امریکا از جنبه بار حقوقی از بیشترین پیچیدگیها برخوردار هستند.

بخش چهارم

۴-۱- برجام و اقتصاد ایران:

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، بر سر برنامه هسته ای ایران در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) پس از دو سال مذاکرات نفسگیر در شهر وین مورد توافق قرار گرفت. بر اساس این توافق، ایران در ازای پذیرش برخی محدودیتها بر برنامه هسته ای خود از ذیل بخش قابل توجهی از تحریمهای شورای امنیت، امریکا و اتحادیه اروپا رهایی یافت. این تحریمها همانگونه که در بخشهای قبل ذکر شد از جنبه منفی تبعات بسیاری بر اقتصاد و تجارت کشور به همراه داشت، بگونه ای که اقتصاددانان ادامه وضعیت توأم با تحریمهای یکجانبه را علامت هشدار برای فروپاشی اقتصاد ایران قلمداد می‌کردند.

پس از اجرایی شدن برجام و حاکم شدن آرامش نسبی بر فضای اقتصاد کشور، چشم انداز مثبتی در مورد آینده اقتصادی کشور شکل گرفت. بر این اساس، صندوق بین‌المللی پول در گزارش سال گذشته خود در مورد وضعیت اقتصادی کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی یک فصل را به تاثیر لغو تحریمها بر اقتصاد ایران اختصاص داد. در این گزارش اثرات ناشی از لغو تحریمها و اجرایی شدن برجام بر اقتصاد ایران در چهار محور زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱- صادرات و حمل و نقل هیدروکربن و محصولات مرتبط با هیدروکربن

۲- بانکداری و دیگر خدمات مالی و معاملات، شامل دسترسی مجدد به سیستم پرداخت بین‌المللی (سوئیفت)

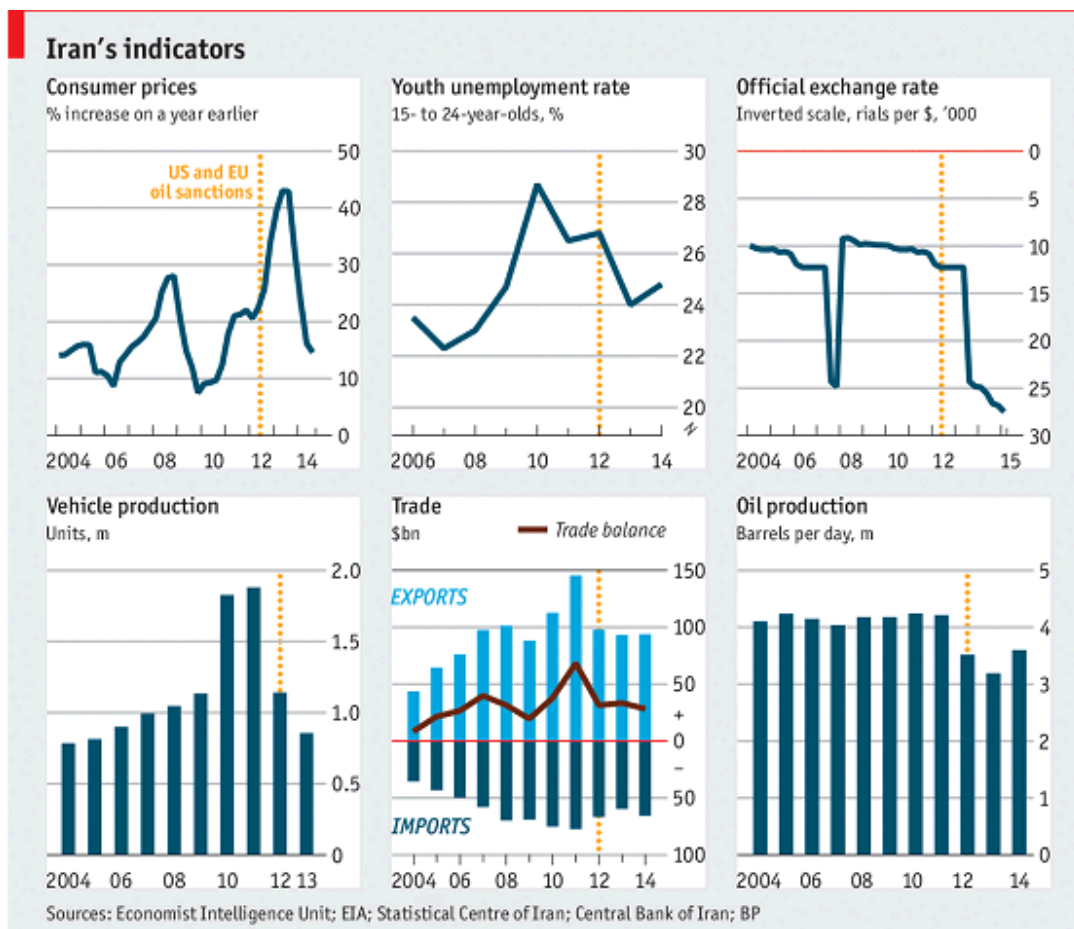
۳- دسترسی به دارایی‌های مالی خارجی

۴- فروش، تامین قطعات و انتقال کالاها و خدمات در بخش‌های خودرو و حمل و نقل هوایی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی مربوط به این

بخش‌ها

بر اساس این گزارش و در راستای چهار محور فوق‌الذکر، لغو تحریمها سه مزیت اصلی برای اقتصاد ایران در پی داشت. اولین و مهم‌ترین آنها، شوک مثبت تقاضای خارجی هم برای صادرات نفتی و هم برای صادرات غیرنفتی است. دومین مزیت، کاهش هزینه تجارت خارجی و مبادلات مالی به‌عنوان شوک تجاری مثبت بر اقتصاد ایران خواهد بود که این اثر عمدتاً از طریق کاهش قیمت واردات و افزایش قیمت صادرات نمایان خواهد شد. سرانجام به عنوان سومین مزیت، امکان دوباره دسترسی به دارایی‌های خارجی و صادرات بیشتر نفت، ثروت بیشتری را برای ایران به ارمغان خواهد آورد. این سه مورد روی هم رفته بهبود چشمگیری را در چشم‌انداز اقتصادی ایران طی سال‌های آینده ایجاد خواهد کرد. به اعتقاد نشریه اکونومیست مهمترین جنبه توافق هسته ای ایران جنبه اقتصادی و تجاری است. زیرا ایران بر خلاف همسایه‌های سرمایه‌دار خود در حاشیه خلیج فارس، یک کشور ۱۰۰ درصد نفتی نبوده و یک قدرت منطقه‌ای است که تا حدودی اقتصاد صنعتی داشته و همچنین از مزایایی همچون افراد تحصیلکرده و نیروی کار فراوان برخوردار است.

نمودار ۱۲- شاخصهای کلان اقتصاد ایران از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ میلادی



Economist.com

منبع: نشریه اگنومیست

این نشریه با دیدی خوش بینانه مسایل مرتبط با اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار داده و چشم انداز وسیعی برای آن در نظر گرفته است. افراد تحصیلکرده فراوان، منابع عظیم نفت و گاز، فعالیت صنعتی و ... به عنوان مزایای پیش روی اقتصاد ایران قلمداد شده است. همچنین این نشریه می‌افزاید که ایران با توجه به مساحتش، باید بتواند سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بیشتری را به خودش جذب کند زیرا در ۵ سال آینده، ایران نیازمند سرمایه‌گذاری نفتی و گازی به ارزش تخمینی ۲۳۰ تا ۲۶۰ میلیارد دلار است.

به عقیده بسیاری از اقتصاددانان، پس از برجام با ورود و هدایت سرمایه‌های خارجی و داخلی به سمت کشور شاهد رونق بورس، ثبات ارز و کاهش نرخ تورم در کشور خواهیم بود. همچنین، در صورتی که منابع سرمایه‌گذاری خارجی به شکل واقعی در اقتصاد کشور تزریق نشود و در افزایش سوددهی، رقابت و تنوع محصولات تولیدی خود را نشان ندهد نمی‌توان به آینده برجام خوش‌بین بود. البته رخداد جنبه مثبت تحلیل ارائه شده امری زمانبر خواهد بود، زیرا با توجه به آثار زیانبار تحریم‌های اقتصادی صورت گرفته بر کشور طی سالیان اخیر، رونق سرمایه‌گذاری، جلب اعتماد شرکای خارجی، بروزرسانی سیستم بانکی و ... امری سخت و دشوار خواهد بود.

مسئله گام نهادن در مسیر رشد اقتصادی پایدار و باکیفیت در کشور، نیازمند شناخت صحیح از شرایط مختلف کشور و علی‌الخصوص جنبه اقتصادی آن است. در این راستا شناسایی اثرات اقتصادی و تجاری پسابرجام، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این شناخت بایستی با در نظر گرفتن تمامی جوانب مثبت، منفی و همچنین فرصتها و تهدیدهای آتی باشد تا بتوان با عزمی راسختر و به دور از تکرار اشتباهات گذشته، گامی بهتر و کارا تر در مسیر تعالی اقتصادی کشور برداشت. در این راستا در ادامه این بخش و در ابتدا حوزه‌های رفع تحریم‌های برجام را مورد بررسی قرار داده و سپس، به بررسی اثرات اقتصادی و تجاری برجام و پسابرجام خواهیم پرداخت. همچنین به منظور بررسی بهتر و دقیقتر، اثرات را بصورت تفکیکی و در غالب چهار بازار ارز، مسکن، پول و سرمایه بررسی خواهیم کرد.

۴-۱-۱- حوزه های رفع تحریمها در برجام:

برنامه جامع اقدام مشترک متضمن برداشته شدن تمامی تحریمهای مالی و اقتصادی مرتبط با برنامه هسته‌ای سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و تحریمهای ثانویه ایالات متحده آمریکا است. متن برنامه جامع اقدام مشترک، فهرست کاملی از حوزه‌های رفع تحریمها را در اتحادیه اروپا به شرح زیر ارائه می‌کند:

• انتقال وجوه بین اشخاص ایرانی و اشخاص اروپایی. به عبارت دیگر، هر شخص ایرانی (از جمله موسسات مالی ایرانی) می‌تواند با هر شخص اروپایی (از جمله موسسات مالی اروپایی) مبادرت به انتقال وجه کند و از این رو هیچ محدودیتی برای انتقال وجه در خصوص اشخاصی که براساس برجام از فهرست تحریمها خارج می‌شوند وجود نخواهد داشت.

• ایجاد روابط بانکی شامل ایجاد روابط کارگزاری بانکی جدید و همچنین شعب بانکهای ایرانی و نیز بانکهای تابعه بانکهای ایرانی در سرزمین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا؛

• ارائه خدمات بیمه‌ای و بیمه اتکایی؛

• ارائه خدمات تخصصی پیام‌رسانی مالی برای بانکها و موسسات مالی ایران و خصوصا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛

• تامین مالی تجاری (شامل اعتبارات و تضمین‌های صادراتی و همچنین بیمه‌های صادراتی)؛

• ارائه کمک‌های مالی و اقتصادی و وام‌های ترجیحی به دولت ایران؛

• معاملات اوراق قرضه دولتی یا دارای تضمین دولت؛

• واردات و حمل‌ونقل نفت، گاز و محصولات پتروشیمی ایران؛

• صادرات فناوری‌ها یا تجهیزات کلیدی برای صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران؛

• سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران؛

• صادرات فناوری‌ها و تجهیزات کلیدی دریانوردی؛

• طراحی و ساخت کشتی‌های باری و تانکرهای حمل نفت؛

• دسترسی به فرودگاه‌های اتحادیه اروپا برای هواپیماهای باری ایران؛

• صادرات طلا، فلزات گرانبها و الماس؛

• تحویل اسکناس‌ها و مسکوکات ایرانی؛

• صادرات گرافیت، فلزات خام یا نیمه خام، آلومینیوم و فولاد و صادرات نرم‌افزارهای مربوط به فرآیندهای صنعتی؛

• خارج کردن نام اشخاص و نهادهایی که در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفته بودند؛ از جمله رفع توقیف دارایی‌های آنها و همچنین لغو ممنوعیت صدور روادید برای آنها؛

همچنین، تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های مذکور حسب مورد لغو یا تعلیق خواهند شد. با این تفاوت که برداشته شدن تحریم‌های ایالات متحده آمریکا محدود به رفع تحریم‌های ثانویه خواهد بود و امکان تجارت و روابط مالی مستقیم میان ایران و آمریکا را فراهم نخواهد کرد. محدودیت مبادلات اشخاص آمریکایی با ایران از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برقرار شده و در نتیجه این محدودیت، به دلیل برنامه هسته‌ای ایران وضع نشده است.^۶

^۶ برقرار نشدن روابط بانکی با اشخاص و نهادهای آمریکایی به خودی خود تاثیر جدی بر نظام مالی و بانکی ایران نخواهد گذاشت و مادامی که بانکها و موسسات غیر آمریکایی آزادانه قادر به ارائه خدمات مالی به ایران باشند تحریم‌های اولیه آمریکا اثر قابل توجهی بر نظام مالی و اقتصادی کشور نخواهند گذاشت. از این رو برقراری روابط مالی مستقیم با اشخاص آمریکایی و حضور در بازار مالی آمریکا از خواسته‌های ایران در مذاکرات هسته‌ای نبوده و به همین دلیل برجام نیز به رفع تحریم‌های اولیه آمریکا نپرداخته است. در اتحادیه اروپا نیز همانند آمریکا تحریم‌هایی وجود دارند که مربوط به موضوعاتی غیر از مساله هسته‌ای ایران می‌شوند و لذا برجام که براساس مذاکرات هسته‌ای مورد توافق قرار گرفته است، شامل آنها نخواهد شد

۴-۱-۲- تضمین‌های رفع تحریم‌ها در برجام:

یکی از نکات مثبت برجام، تضمین‌های متعددی است که کشورهای گروه ۵+۱ برای اطمینان بخشی به ایران در جهت جامع بودن رفع تحریم‌ها و عدم بازگشت آنها در نظر گرفته‌اند. این تضمین‌ها به شرح زیر هستند:

۱. **جامعیت تحریم‌های لغو شده:** کشورهای گروه ۵+۱ مکرراً در متن برجام به ایران تضمین داده‌اند که تحریم‌های لغو شده جامع و کامل هستند و ایران خواهد توانست در تمامی حوزه‌هایی که به آنها اشاره شد عملیات مورد نظر خود را انجام دهد.
۲. **عدم بازگشت تحریم‌ها در شکل‌های دیگر:** کشورهای گروه ۵+۱ به ایران تعهد داده‌اند که تحریم‌های وضع شده را به شکل‌های دیگر و تحت عناوین دیگر از قبیل مقررات اداری و نظایر آن اعاده نخواهند کرد و تحریم‌ها به‌طور واقعی و موثر برداشته خواهند شد.
۳. **عدم تبعیض:** کشورهای گروه ۵+۱ تعهد داده‌اند که رفتار آنها با ایران همانند رفتار سایر کشورها خواهد بود و هیچ نوع تبعیضی در رابطه با ایران اعمال نخواهند کرد به گونه‌ای که ایران در حوزه‌هایی که تحریم‌های آنها رفع می‌شود همانند سایر کشورها بتواند اقدام به فعالیت‌های مالی و اقتصادی کند.
۴. **شفافیت:** کشورهای گروه ۵+۱ به ایران تعهد داده‌اند که در رابطه با رفع تحریم‌ها دستورالعمل‌ها و مقررات اجرایی لازم را صادر خواهند کرد به نحوی که رفع تحریم‌های مقرر در برجام به‌طور شفاف به اطلاع فعالان اقتصادی برسد و حتی برای صدور راهنماها و دستورالعمل‌های برجام متعهد شده‌اند که از ایران مشورت بگیرند و پس از مشورت با ایران، راهنماهای برجام را صادر و منتشر کنند.

۴-۲- پسابرجام و بازار مسکن:

از سال ۱۳۹۱ که بخش مسکن وارد رکود شده است تا کنون متوسط تورم عمومی با لحاظ نوسانات آن حدود ۲۰ درصد بوده است. این در حالی است که قیمت مسکن ثابت مانده و حتی با اندکی کاهش همراه بوده است. با این حال بازار مسکن همچنان واکنش چندانی نسبت به تغییر آیت‌های کلان اقتصادی نشان نمی‌دهد. جهش شدید قیمت مسکن در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مهمترین عامل تاثیرگذار بر رکود حاکم بر مسکن در کشور است. کاهش سهم تسهیلات بانکی مسکن نسبت به کل تسهیلات نیز از جمله عواملی است که حاکی از رکود عمیق بر بازار مسکن در کشور است بگونه‌ای که این میزان در سالهای ۹۲، ۹۳ و ۹۴ به ترتیب به ۱۲، ۱۱/۸ و ۱۰/۳ کاهش یافته است. این میزان کاهش در حالی صورت گرفته است که طی ۳۰ سال گذشته متوسط سهم تسهیلات بانکی مسکن نسبت به کل تسهیلات ۲۵ درصد بوده است.

عدم تمایل بخش عرضه به فروش در قیمت‌های کنونی ناشی از رکود چندساله در بخش مسکن، به همراه کاهش توان سمت تقاضا بدلیل قیمت‌های حباب گونه مسکن در کشور از جمله علل کم رفق بودن بازار مسکن در شرایط کنونی است. همچنین تاثیرپذیری مسکن از کاهش درآمدهای نفتی و بودجه انقباضی دولت، کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی و روند نزولی ارزش افزوده بخش ساختمان طی سه سال اخیر نیز از جمله گلوگاه‌های بخش مسکن در کشور قلمداد می‌شود. در این شرایط، رونق یا حتی پیش‌رونق در بخش مسکن بایستی با دقت و ظرافت بالایی مورد بررسی قرار گیرد.

بر همین اساس، اثرگذاری مثبت برجام بر اقتصاد ایران و سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند طی سال‌های آینده رفاه عمومی را افزایش داده و متقاضیانی که به ناچار با بخش مسکن قهر کرده‌اند را به بازار بکشاند. بایستی اذعان نمود که رونق بخشیدن به این بازار مهم و بزرگ در اقتصاد کشور امری زمانبر خواهد بود.

در نتیجه، قرار گرفتن در شرایط پسابرجام همزمان با اعمال سیاست‌های مناسب، کاهش دخالت دولت و افزایش حوزه نفوذ بخش خصوصی در حوزه مسکن می‌تواند رونق بازار مسکن را سبب شود لذا اجرای برجام و گشایش‌های بین‌المللی، موضوعی است که می‌تواند به دلایل متعددی زمینه تحولات اقتصادی در کشور را فراهم کرده و اثرات مثبتی نیز بر حوزه مسکن داشته باشد. از سوی دیگر آزادسازی پول‌های بلوکه شده و افزایش فروش نفت در راستای اجرای برجام تأثیر خود را در اقتصاد خواهد گذاشت و این مساله باعث گردش نقدینگی، رونق اقتصادی و بالا رفتن سطح اشتغال می‌شود که مجموعه این عوامل تحرک در بازار مسکن را در پی خواهد داشت.

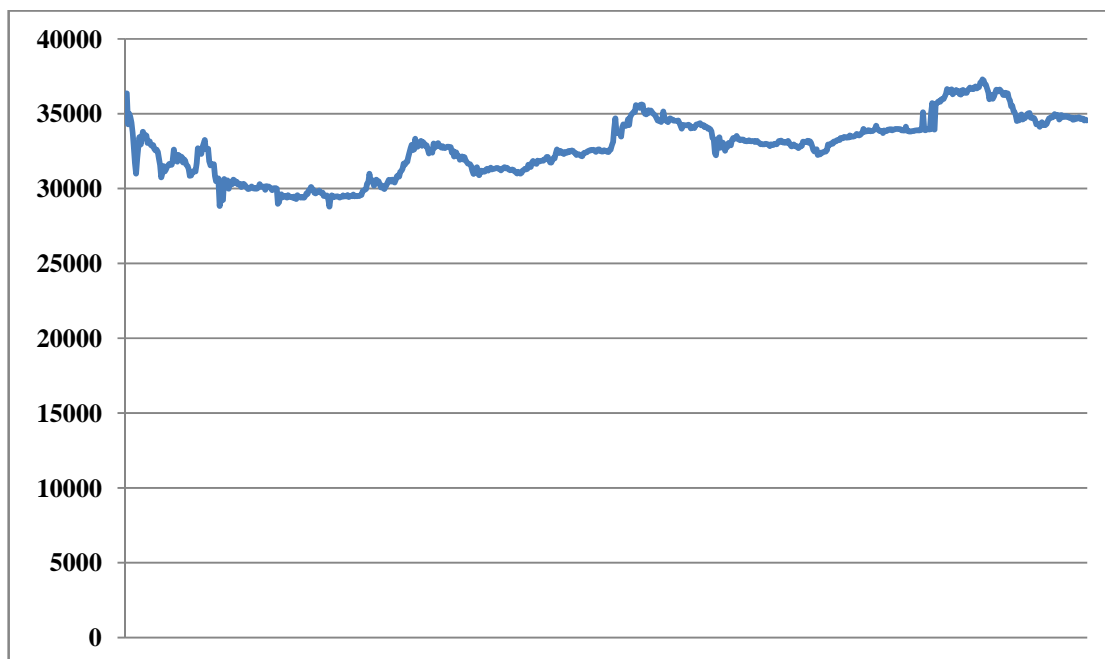
۴-۳- پسارجم و بازار ارز:

به جرات می‌توان گفت که ثبات در نرخ ارز یکی از پیش زمینه‌های ایجاد رونق در فعالیت‌های اقتصادی کشور است. در مقابل، نبود ثبات در این بازار، منجر به آشفتگی و عدم اطمینان در بازارهای مالی و ایجاد رکود در فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد. هر چند که عواملی چون نااطمینانی حاکم بر شرایط اقتصادی و سیاسی، کاهش منابع ارزی، رشد بی‌رویه واردات، تحریم، افزایش قدرت دلار در برابر ارزهای دیگر و ... می‌توانند موجب نابسامانی و التهاب در بازار ارز شوند، منتها اتخاذ سیاست‌های ارزی و تدابیر اقتصادی مناسب از جانب دولت و بانک مرکزی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد تعادل و تثبیت بازار ارز در کشور است.

در سالهای اخیر، هر کجا با رشد نرخ ارز در کشور مواجه بوده ایم سوای از سایر عوامل بیرونی یکی از انگشت‌های اتهامات همواره به سمت دولت نشانه گرفته می‌شود. تجربه چندین و چندباره دولت در جبران بخشی از کسری بودجه خود در بازار ارز عاملی است که ایجادکننده نوعی نگرش منفی در ذهن فعالان و تولیدکنندگان اقتصادی کشور در زمینه مداخلات دولت در اقتصاد و همچنین بازار ارز کشور است.

نرخ ارز در کشور تابعی از شرایط حساب جاری بوده و همچنین، بخش قابل توجهی از این حساب نیز تحت تاثیر صادرات و واردات کشور است. در نتیجه، بالا رفتن صادرات و ترغیب دولت به افزایش هزینه‌ها، منجر به کاهش نرخ ارز و تقویت واردات در کشور می‌شود. در نقطه مقابل، کاهش عرضه ارز ناشی از کاهش صادرات منجر به صعود نرخ ارز خواهد شد. در این راستا و در انتهای سال ۱۳۹۰ تشدید تحریمها بر اقتصاد ایران موجب شد که ثبات نرخ ارز به کلی از دست رفته و طی مدت کوتاهی رشد بی سابقه‌ای در نرخ ارز رخ دهد. این امر در حالی به وقوع پیوست و شدت یافت، که سیاست‌های متعدد اقتصادی و غیراقتصادی در کنار عدم وجود عزم جدی دولت و بانک مرکزی در آن زمان برای کاهش نرخ ارز کمکی به تثبیت این بازار نکرد.

نمودار ۱۳- روند نرخ ارز در دولت یازدهم



با روی کار آمدن دولت جدید و سعی در ایجاد استقلال بیشتر در عملکرد بانک مرکزی نرخ ارز با آرامش نسبی بیشتری همراه گردید. نوسانات معقول نرخ ارز و همچنین حرکت در کانالی معقول از حیث کاهش و افزایش، حتی پس از اجرایی شدن برجام که شوک آبی مثبت بر اقتصاد ایران به همراه داشت کاملاً مشهود بود. بازار ارز در دولت جدید، از شرایطی برخوردار گشته که پس از نوسانات دور از انتظار افزایشی، روی ثبات نسبی را به خود دیده است. در کنار این امر شاید بتوان اجرایی شدن برجام را از مهمترین عوامل موثر بر اقتصاد ایران دانست. پس از اجرایی شدن برجام، نرخ ارز علی‌رغم پیش بینی تعداد زیادی از افراد با کاهش چشمگیری همراه نبود. دلایل این امر را می‌توان در چند مورد زیر بهتر نشان داد:

۱- عدم تمایل دولت و بانک مرکزی به کاهش شدید نرخ ارز

۲- کاهش شدید قیمت جهانی نفت علی‌رغم افزایش صادرات کشور

۳- افزایش تقاضا در بازار و عدم تغییر عوامل بنیادین مؤثر بر عرضه

با در نظر گرفتن جمیع مطالب ذکر شده می‌توان چنین عنوان نمود که در آینده، با شفاف تر شدن آثار واقعی متغیرهای بنیادین تعیین کننده نرخ ارز در اقتصاد، عادی سازی روابط بانکی بین المللی، آزاد شدن منابع بلوکه شده و به کارگیری ابزارهای پرداخت بین‌المللی همانند اعتبارات و بروات اسنادی شاهد خواهیم بود که دامنه نوسانات قیمت ارز بیش از پیش کاهش پیدا کند. در نهایت، رفتارهای هیجانی برخی از فعالان اقتصادی کاهش خواهد یافت و با توجه به انتظارات شکل گرفته در مورد نرخ ارز، شاهد ثبات و پایداری بیشتر نرخ در بازار خواهیم بود و نوسانات آن محدود تر خواهد شد.

۴-۴- پسابرجام و بازار پول:

تحریم‌های وضع شده علیه نظام بانکی و مالی کشور آثار گسترده‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی در کشور داشته‌اند بطوریکه روابط اکثر بانک‌ها و موسسات مالی خارجی با بانک‌های ایرانی و همچنین فعالیت شعب خارجی بانک‌های ایرانی را به شدت محدود کرده بود. اجرای برجام تا حد زیادی توانست از گسترش و شدت گرفتن آثار سو تحریمها بر نظام بانکی کشور جلوگیری کند، تحریم‌هایی که در صورت ادامه و شدت یافتن آینده تاریکی را پیشروی نظام بانکی قرار می‌داد. در ابتدا لازم است به‌طور خلاصه به مهم‌ترین آثار اجرای برجام در رابطه با نظام بانکی و مالی ایران اشاره شود:

۱. آزاد شدن داراییهای مسدود شده بانک مرکزی و دولت و امکان نقل و انتقال آنها در خارج از کشور.
 ۲. انجام کلیه روابط و خدمات کارگزاری میان بانک‌های ایرانی و بانک‌های خارجی (به استثنای بانک‌های آمریکایی)؛
 ۳. برداشته شدن تحریم‌های مرتبط با خدمات پیام‌رسانی مالی.
 ۴. برداشته شدن محدودیتهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی در زمینه دریافت عواید حاصل از فروش نفت، بگونه ایکه بانک مرکزی قادر خواهد بود این عواید را در هر بانک و کشوری که خود صلاح می‌داند (به استثنای ایالات متحده آمریکا) دریافت کند.
 ۵. آزاد شدن امکان خرید اسکناس، مسکوک و طلا برای بانک‌های ایرانی.
 ۷. امکان دریافت وام و تسهیلات خارجی برای تامین مالی تجاری و تامین مالی پروژه‌های عمرانی کشور .
 ۸. امکان دریافت وام‌های ترجیحی و کمک‌های موسسات مالی خارجی برای کشور.
 ۹. امکان صدور ضمانت‌نامه بانکی و گشایش اعتبارات اسنادی به نفع بانک‌ها و ذی‌نفعان ایرانی.
 ۱۰. امکان سرمایه گذاری اشخاص و نهادهای ایرانی در بانک‌ها و موسسات اعتباری خارجی و بالعکس.
 ۱۱. امکان خرید و فروش اوراق قرضه برای دولت جمهوری اسلامی ایران و بانک‌ها و موسسات مالی ایرانی در بازارهای مالی خارج از کشور .
- بایستی در نظر داشت که نظام بانکی و مالی ایران سال‌ها است که در نتیجه فشارها و تحریم‌های اعمال شده از بازارهای بین‌المللی دور بوده است. طی این سال‌ها الزامات حضور در این بازارها به نحو جدی تحول یافته است. در نتیجه، برقراری مجدد روابط بین‌المللی بانک‌های ایرانی مستلزم تلاش در جهت رسیدن به استانداردهای بین‌المللی در عرصه‌های گوناگونی همچون کفایت سرمایه، حاکمیت شرکتی، شفافیت اطلاعاتی، استانداردهای مبارزه با پولشویی، مبارزه با تامین مالی تروریسم، حساسی و کنترل‌های مرتبط با آن است.
- اقدام دیگری که برای استفاده از امکانات پیش‌بینی شده در برجام ضرورت دارد، ارتقای رتبه اعتباری ایران در نظام مالی بین‌المللی است. انجام این امر هزینه تامین مالی برای بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی ایرانی را کاهش می‌دهد. بهبود این امر از یکسو مستلزم اقدام در جهت پرداخت بدهی‌های فعلی است که در اثر تحریم‌های بین‌المللی امکان پرداخت آنها وجود نداشته و از سوی دیگر مستلزم مذاکرات فعال با آژانس‌های اعتبار صادراتی، بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه و موسسات مالی بین‌المللی است. که بانک مرکزی با همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط در هر دو مورد به نحو فعال اقدامات خود را آغاز کرده است.

همچنین حضور فعال نظام مالی کشور در بازارهای مالی بین‌المللی، انتشار اوراق بهادار در بازارهای خارجی به‌منظور تامین مالی پروژه‌های عمرانی کشور خصوصا در رابطه با صنعت انرژی کشور، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و به‌طور کلی استفاده از ظرفیت‌های نظام مالی بین‌المللی از

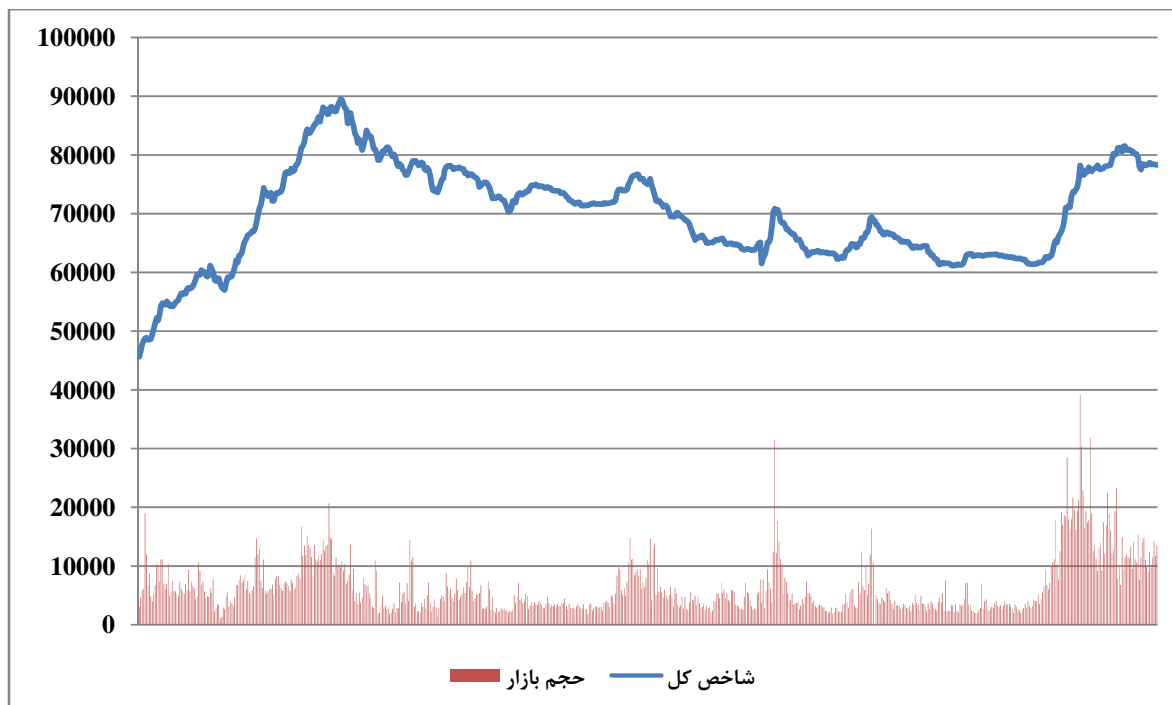
ضرورت‌های دوران پسانداز است. به‌منظور انجام این امر، لازم است مذاکرات لازم با نهادهای مختلف بخش دولتی و خصوصی در کشورهای هدف صورت گرفته و استراتژی مشخصی تعیین و تعقیب شود. در نهایت، لازم است بانک‌ها و موسسات مالی ایرانی با بررسی دقیق مفاد برجام و الزامات آن، با آگاهی کامل در مسیر اجرای آن گام بردارند و حداکثر بهره‌برداری را از فرصت‌های انجام شده به عمل آورند. در تمامی این مراحل حضور هوشمندانه بانک مرکزی به عنوان نهاد نظارتی بسیار کارساز خواهد بود.

۴-۵- پس‌برجام و بازار سرمایه:

بازار سرمایه پس از تحمل یک دوره رکود فرسایشی سخت، با سرریز نسبی نقدینگی‌ها و گرایش مجدد سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی برای خرید سهام شرکت‌ها روبرو شده است. در عین حال جذاب شدن قیمت سهام اغلب شرکت‌ها و صنایع بورسی در کنار لزوم تناسب فاصله ارزش ذاتی سهام شرکت‌ها تا ارزش جایگزینی آنها باعث شده تا در نیمه دوم سال گذشته و علی‌الخصوص پس از اجرایی شدن برجام نگاه سرمایه‌گذاران بر بازار سرمایه به عنوان تنها گزینه قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاری متمرکز شود. از آنجا که بازار سرمایه محل ورود و خروج آزاد عرضه و تقاضا است، در نتیجه رشد با ثبات آن باعث تقویت نقدینگی موجود در آن و همچنین در نقطه مقابل ضعف در رشد منجر به کاهش نقدینگی بازار خواهد شد. از همین رو است که در حال حاضر بازار سرمایه با هیچ‌گونه جو منفی و غیر منطقی سیستماتیکی مواجه نبوده و در مدار نسبتاً مثبت و صعودی در حال حرکت است.

علی‌رغم رشد قابل ملاحظه حجم معاملات پس از رخداد توافق هسته‌ای و همچنین قرار گرفتن شاخص کل بورس اوراق بهادار در مسیر صعودی بایستی نکته مهمی را در نظر داشت. نکته مورد نظر لحاظ اثرات عینی این توافق بر اقتصاد کلان و مسائل مالی شرکت‌هاست. در واقع بایستی اثرات واقعی این توافق بر صورتهای مالی شرکتها نمایان شود که بیانگر رشد تولید و فروش و ... آنها بصورت واقعی و حقیقی باشد. در این صورت خواهد بود که چشم انداز مثبت توافق به صورت عینی بر اقتصاد کشور و در نتیجه بازار مالی کشور نمایان خواهد شد.

نمودار ۱۴- روند شاخص کل بورس اوراق بهادار و ارزش بازار بورس در دولت یازدهم



همچنین یکی از نکات مهم و مرتبط با بازار سرمایه گشایشات سیستم بانکی در آینده خواهد بود. این امر از این جهت که منجر به بازگشایی ال سی های ارزی، تبادلات مالی ارزانتر و ... خواهد شد بسیار مفید به فایده خواهد بود. در نتیجه هم از حیث سودآوری بر سیستم بانکی موثر خواهد و هم از حیث رشد سودآوری شرکتهای صادراتی و شرکتهایی که مواد اولیه خود را از خارج وارد می‌کنند موثر خواهد بود.

۴-۶- جمع بندی و ارائه راهکار

از ابتدای دور جدید مذاکرات هسته‌ای در دوره دولت جدید، تحلیلگران خارج از کشور نسبت به زمانبر بودن رفع تحریم‌ها و در نتیجه اثرگذاری آن بر وضعیت اقتصاد تأکید کرده‌اند. در خوشبینانه‌ترین حالت، آثار حل مناقشات هسته‌ای در اقتصاد کشور با وقفه‌های زمانی زیر مواجه خواهد بود:

اول: وقفه ناشی از راستی‌آزمایی تعهدات؛

دوم: وقفه ناشی از زمان لازم برای لغو قوانین مربوط به تحریم‌های سازمان ملل و کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا که می‌تواند تا چند سال به درازا بکشد؛

سوم: وقفه فنی و اجرایی برای رساندن تولید و صادرات نفت به سطح سابق (این کار مستلزم حل چالش‌های فنی موجود در تولید نفت و نفوذ مجدد در بازارهای نفتی است).

چهارم: وقفه ناشی از اثرگذاری استفاده از منابع آزاد شده یا منابع مازاد و رفع سایر محدودیت‌ها بر بخش‌های مختلف در اقتصاد ملی.

بدین ترتیب هرچند انتظار می‌رود به‌دنبال حصول توافق با کشورهای طرف گفتگو برخی از تحریم‌ها برداشته شود و قسمتی از موجودی ایران در بانک‌های خارجی آزاد شود، اما تا زمان برداشته شدن کامل تحریم‌ها، در وضعیت خوشبینانه اقتصاد ایران حداقل در یک دوره ده‌ساله درگیر پیامدهای آن خواهد بود. در واقع لازم است راهبردهای اقتصادی مقابله با پیامدهای تحریم‌ها بر اقتصاد ایران با توجه به این وقفه‌های زمانی تنظیم شود. در نتیجه از مهمترین موضوعات مدیریت انتظارات است.

عمده پیش‌بینی‌ها بر آن است که در طول ۵ سال آتی وضعیت اقتصادی بهبودی چشمگیری نخواهد داشت. ایجاد توقعات زیاد اقتصادی و دادن وعده بهبود سریع اوضاع اقتصادی با رفع تحریم‌ها با واقعیت اقتصاد ایران علی‌الخصوص از حیث زیرساختی ناسازگار است. لذا لازم است تا عموم دست‌اندرکاران قوه مجریه و قوه مقننه بر این امر تأکید کنند که پس از تحریم‌ها دوره مدیریت صحیح اقتصادی فرا رسیده است و تک تک مردم و خصوصاً دست‌اندرکاران اقتصادی باید بیشتر کار کنند تا بتوانند با پس‌انداز بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر، بهره‌وری عوامل تولید را ارتقا بخشند تا توان کشور برای مقابله با مدیریت پدیده‌های نامطلوبی همچون کمبود آب، تخریب محیط زیست، ناکارآمدی مصرف انرژی و ... فراهم شود.

در بخش حاضر اثرات ناشی از برجام بر چهار بازار ارز، مسکن، سرمایه و پول مورد بررسی قرار گرفت. اتفاقات حادث شده بر بازارهای ذکر شده به همراه چشم‌انداز آینده آنها نیز بصورت اجمالی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نکته بسیار مهمی که نباید در رصد اقتصاد ایران پس از برجام به دست فراموشی سپرده شود عوامل ذاتی است که اثر منفی بر رشد و توسعه اقتصاد کشور در طول زمان داشته‌اند. عواملی چون فساد، بروکراسی اداری، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و ... از جمله عواملی است که ورای تصویب یا عدم تصویب برجام با اقتصاد کشور عجین شده‌اند. در نتیجه رویکرد برنامه ریزی پس از برجام علاوه بر توجه به فرصت‌های ایجاد شده ناشی از اجرای برجام بایستی توأم با برنامه ریزی صحیح برای کاهش اثرات منفی ذاتی اقتصاد ایران در بلند نیز مدت باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- گزارش چرایی بروز رکود تورمی و جهت‌گیری‌های برون‌رفت از آن، مرکز پژوهش‌های مجلس
- ۲- گزارش پیش‌بینی رشد جهانی صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵
- ۳- گزارش تحلیل بنیادین تحریم‌های ایران، احسان محمدیان نیک پی، کارگزاری مبین سرمایه، ۱۳۹۴

سایر منابع مورد استفاده:

- ۱- مقاله «برجام و تاثیر آن بر اقتصاد ایران» روزنامه آوای خراسان، ۲۸ دی ۱۳۹۴
- ۲- تأثیرات تحریم و برجام بر اقتصاد ایران به زبان ساده، دانشگاه شریف، ۵ اسفند ۱۳۹۴
- ۳- مقاله «پیش‌بینی اثرات اجرای برجام در اقتصاد ایران»، روزنامه الکترونیکی امید ایرانیان، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵
- ۴- مقاله «بررسی ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی برجام؛ اقتصاد ایران پس از تحریم»، هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۱۵۴، ۲۳ آبان ۱۳۹۴
- ۵- مقاله «پیش‌بینی از تأثیرات برجام در اقتصاد ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۳۰ مهر ۱۳۹۴